

معجم مهدویت در تفسیر شیعه و اهل سنت

سید محمد من طباطبائی، مرتضیٰ عبدی چاری
و نفیسه فقیهی مقدس

تهیه: پژوهشگاه فرهنگ و آیینده پژوهی
پژوهشکدهها و آیینده پژوهی

بیتنا
۱۳۹۴

معجم مهدویت در تفاسیر شیعه و اهل سنت

- نویسندگان: سید محمد حسن طباطبائی، مرتضی عابدی چاری و نفیسه فقیهی مقدس
- تهیه: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی / پژوهشکده مهدویت و آینده پژوهی
- ناشر: مؤسسه بوستان کتب
(مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)
- چاپ و صحافی: چاپخانه مؤسسه بوستان کتب
- قیمت چاپ: سوم / ۱۳۹۴ • شمارگان: ۱۰۰۰ • بهای: ۲۸۰۰۰ تومان

تمامی حقوق © محفوظ است

printed in the Islamic Republic of Iran

- دفتر مرکزی: قم، خ شهدا (صفائییه)، ص پ ۹۱۷ / ۳۷۱۸۵، تلفن: ۰۷۷-۳۷۷۴۲۱۱، فکس: ۳۷۷۴۲۱۰، تلفن پخش: ۳۷۷۴۲۴۲۶
- فروشگاه مرکزی: قم، چهارراه شهدا (عرضه ۱۲۰۰۰ عنوان کتاب یا همکاری ناشر)
- فروشگاه شماره ۲: تهران، میدان فلسطین، خ طوس، کوچه تبریز، پلاک ۳۰، تلفن: ۰۲۱-۸۴۱۰۲۲
- فروشگاه شماره ۳: مشهد، چهارراه خسروی، مجتمع پاس، جنب دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان، شوی، تلفن: ۰۲۲۳۳۶۷۲
- فروشگاه شماره ۴: اصفهان، چهار راه کرمانی، جنب دفتر تبلیغات اسلامی شعبه اصفهان، تلفن: ۰۲۲۲۱۳۷۰
- فروشگاه شماره ۵: اصفهان، میدان انقلاب، جنب سینما ساحل، تلفن: ۰۲۲۲۱۷۱۲
- فروشگاه شماره ۶: (رنجین کمان، فروشگاه کودک و نوجوان): قم، چهارراه شهدا، نبش خیابان ارم، تلفن: ۰۳۷۷۴۱۰۷
- فروشگاه شماره ۷: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۳۷، تلفن: ۰۳۷۷۴۲۵۹۰-۹۲

اطلاع از تازه های نشر از طریق پیام کوتاه (SMS)، با ارسال شماره همراه خود به ۰۲۱۵۵-۱۰۰۰ و یا ارسال درخواست به:

پست الکترونیک مؤسسه: E-mail.info@bustaneketab.com

جدیدترین آثار مؤسسه و آشنایی بیشتر با آن در وب سایت: <http://www.bustaneketab.com>

با قدرتی از همکاری که در تولید این اثر نقش داشته اند:

- اعضای شورای بررسی آثار • دبیر شورای کتاب: سیدرضا سجادی نژاد • ویراستار: ابوالفضل طریقه دار • چکیده عربی: سهیله خانفی • چکیده انگلیسی: مریم خانفی
- فیبا: مصطفی محفوظی • اصلاحات حرفه نگاری: لیلی حاج اسماعیلی و حسین محمدی • صفحه آرا: احمد مؤتمنی • نمونه خوانی: ابوالحسن مسیب نژاد، سید کاظم رضوی، علی میری، شکرالله آقازاد و ابوالفضل سلیمانی • کنترل نمونه خوانی: محمدجواد مصطفوی • بازخوانی نهایی متن: بیژن سهرابی • کنترل فنی صفحه آرای: حسین عبدیان • کارشناس طراحی و گرافیک و طراح جلد: سعید نجابتی • اداره آماده سازی: حمید رضا تیموری • اداره چاپخانه: مجید مهدوی و سایر همکاران
- لیتوگرافی، چاپ و صحافی: قائم مقام مؤسسه و مدیر تولید: عبدالهادی اشرفی.

فهرست مطالب

۱۱ سخن پژوهشگرده انتظار
۱۵ مقدمه
۱۸ خاستگاه اندیشه مهدویت
۱۹ پیشینه موضوع
۲۳ شیوه نامه
۲۶ تذکر چند نکته ضروری
۲۶ محورها و عناوین
۲۸ تفکر مهدویت
۲۸ ویژگی های عام و خاص
۲۹ اشراط الساعة
۳۰ ظهور
۳۰ رجعت
۳۲ نزول حضرت عیسی <small>علیه السلام</small>
۳۳ مهدویت در تفاسیر

۳۵	مأخذشناسی توصیفی تفاسیر
۳۵	الف - تفاسیر امامیه
۴۳	ب - تفاسیر غیر امامیه
۵۷	سوره حمد
۵۹	سوره بقره
۸۹	سوره آل عمران
۱۱۰	سوره نساء
۱۲۸	سوره مائده
۱۴۰	سوره انعام
۱۵۱	سوره اعراف
۱۶۷	سوره انفال
۱۷۲	سوره توبه
۱۸۲	سوره یونس
۱۹۰	سوره هود
۱۹۹	سوره یوسف
۲۰۱	سوره زمر
۲۰۵	سوره ابراهیم
۲۰۹	سوره حجر
۲۱۳	سوره نحل
۲۲۰	سوره اسراء
۲۲۹	سوره كهف
۲۴۰	سوره مریم

فهرست مطالب • ۷

۲۴۶	سوره طه
۲۵۲	سوره انبیاء
۲۶۲	سوره حج
۲۶۹	سوره مؤمنون
۲۷۲	سوره نور
۲۷۹	سوره فرقان
۲۸۱	سوره شعراء
۲۸۵	سوره نمل
۲۹۶	سوره قصص
۳۰۳	سوره عنکبوت
۳۰۷	سوره روم
۳۰۹	سوره لقمان
۳۱۱	سوره سجده
۳۱۶	سوره احزاب
۳۲۰	سوره سبأ
۳۲۴	سوره فاطر
۳۲۶	سوره یس
۳۳۰	سوره صافات
۳۳۳	سوره ص
۳۳۷	سوره زمر
۳۴۰	سوره غافر (مؤمن)
۳۴۶	سوره فصلت
۳۵۱	سوره شوری

۳۵۸.....	سوره زخرف.....
۳۶۵.....	سوره دخان.....
۳۷۰.....	سوره جاثیه.....
۳۷۱.....	سوره احقاف.....
۳۷۳.....	سوره محمد.....
۳۷۸.....	سوره فتح.....
۳۸۳.....	سوره شوری.....
۳۸۵.....	سوره ذاریات.....
۳۸۷.....	سوره طور.....
۳۸۸.....	سوره نجم.....
۳۹۱.....	سوره قمر.....
۳۹۴.....	سوره رحمن.....
۳۹۵.....	سوره واقعه.....
۳۹۷.....	سوره حدید.....
۴۰۱.....	سوره مجادله.....
۴۰۳.....	سوره حشر.....
۴۰۶.....	سوره ممتحنه.....
۴۰۵.....	سوره صف.....
۴۱۰.....	سوره جمعه.....
۴۱۲.....	سوره منافقون.....
۴۱۳.....	سوره تغابن.....
۴۱۴.....	سوره ملک.....
۴۱۶.....	سوره قلم.....

www.ketab.ir

۴۱۸	سوره معارج
۴۲۱	سوره جن
۴۲۴	سوره مدثر
۴۲۸	سوره قیامت
۴۳۰	سوره انسان
۴۳۱	سوره مرسلات
۴۳۲	سوره نازعات
۴۳۴	سوره عبس
۴۳۵	سوره تکویر
۴۳۷	سوره انفطار
۴۳۸	سوره مطففین
۴۳۹	سوره انشقاق
۴۴۱	سوره بروج
۴۴۳	سوره طارق
۴۴۵	سوره غاشیه
۴۴۶	سوره فجر
۴۴۸	سوره بلد
۴۴۹	سوره شمس
۴۵۱	سوره لیل
۴۵۳	سوره قدر
۴۵۵	سوره بینه
۴۵۶	سوره زلزله
۴۵۷	سوره تکاثر

۴۵۸	سوره عصر
۴۵۹	سوره کافرون
۴۶۰	سوره نصر
۴۶۱	کتاب نامه
۴۶۱	الف - تفسیری
۴۶۷	ب - غیر تفسیری

www.ketab.ir

سخن پژوهش‌شده انتظار نور

اعتقاد و باوردن با مسیری با همه وسعت و گستره آن به عنوان یکی از اساسی‌ترین و ضروری‌ترین آموزه‌های اسلامی مطرح می‌باشد تا آن‌جا که مرگ در حال انکار آن، مرگ جاهلی شمرده شد است. علیرغم همه این پشتوانه و الزامات اعتقادی، این اندیشه در عرصه پژوهش و باطنیات علمی با مسائل و موضوعات ناگفته و ناگشوده فراوانی مواجه می‌باشد که باید به دست محققان متعهد، خوش ذوق و فهیم که از درایت و ذکاوت بالای دینی و خردورزی لازم برخوردار باشند، مورد تحقیق و تتبع قرار گیرد.

در سال‌های اخیر بحث و گفت‌وگوهای عمیقی در موضوع مهدویت برگرفته از دامنه فراخناک و ژرفناک کتاب آسمانی و وحیانی قرآن کریم آغاز گردیده به گونه‌ای که در میان طبقات فرهیخته و پژوهشگر به یک حوزه علمی رایج علمی درآمده است و دانشوران متعهد با جستجو و تدبر در آیات قرآن کریم در سایه‌سار اخبار ماثور کوشیده‌اند تا گوشه‌هایی از معارف این بحث بنیادین را رازگشایی نمایند، تا آن‌جا که ره‌آورد این تحقیقات در ابعاد گوناگون و اساسی موجب تولید پژوهش‌های عمیقی در حوزه مهدویت گردیده است که نویدبخش حرکتی جدی در توصیف، تبیین و تحلیل آراء عالمان صالح گذشته از یک سو و دستیابی به فهم و درک

بهرتر و عمیق‌تر از مسئله انتظار، ظهور، دولت کریمه، کرامت و اقتدار مؤمنان را می‌باشد، حرکتی مبارک که ضمن ارج‌گذاری به تلاش عالمان قرآن‌پژوه خصوصاً مفسران عالی مقام از گذشته تا به امروز، می‌رود تا پرده از راز مفاهیم بلند واژه‌ها و گزاره‌های آن دسته از آیاتی که معانی عمیق مهدوی را به سان معادنی سر به مهر در خود دارند، بگشاید.

در این راستا از جمله حرکت‌های شایسته گروه قرآن و حدیث پژوهشکده انتظار نور، ارایه تحقیقی به نام «معجم مهدویت در تفاسیر اسلامی» است که برگی از طرح کلان و گران‌سنگ «مهدویت در قرآن کریم» می‌باشد. این اثر براساس ارایه طرح پژوهشی برادر بزرگوار جناب آقای سیدمحسن طباطبایی و با همکاری علمی سرانگراسی جناب آقای مرتضی عبدی چاری و سرکار خانم نفیسه فقیهی مقدس و مددی از محققان گروه قرآن و مهدویت و تلاش و تتبع قابل تحسین و تقدیر انانته به انجام رسیده است، اقدامی شایسته که امید است مورد توجه و اعتناء ارباب فضل و پژوهشگران خصوصاً مهدی‌پژوهان قرار گیرد.

در اینجا لازم است از عزیز سفرکرده برادر شهیدان، رزمنده جانناز شیمیایی حجة الاسلام والمسلمین شهید داود دهداری رحمته یاد نمودیم که با فکر بلند و نیت خالص و عشق به ساحت مهدی علیه السلام علی‌رغم مشکلات فراوان جسمی و مسئولیت‌های گران در حوزه علمیه، گروه قرآن پژوهشکده انتظار نور را تأسیس و با جذب متخصصانی فهیم، جمعی متعهد و فرهیخته را بر محور قرآن‌پژوهی در عرصه مهدویت، سازماندهی نمود. این اثر نیز نتیجه‌ای مبارک از آن سفرکرده سبکبال می‌باشد که با راهنمایی، هدایت، دستگیری و حضور در کلیه مراحل طرح موجبات آفرینش آن را فراهم آورد. در آخر لازم است از مساعی و همت بلند اعضای محترم گروه پژوهشی قرآن و حدیث که در انجام رساندن این تحقیق زحمات فراوانی را

سخن پژوهشکده انتظار نور • ۱۳

متحمل شدند کمال قدردانی و سپاسگزاری را تقدیم نماییم و توفیقات روزافزون همهٔ خادمان ساحت مقدس حضرت مهدی علیه السلام را از درگاه حضرت ایزد متعال درخواست و مسئلت نماییم.

دکتر غلامرضا بهروزلی

مدیر پژوهشکده انتظار نور

www.ketab.ir

اندیشه اسلامی و دانش مسلمانان در رهگذر چندین سده کاوش و کوشش در شاخه‌های مختلف معرفت همواره وامدار کتاب خدا بوده است. فضای علمی و پژوهشی در گستره فرهنگ اسلامی، در بخش‌های مختلف کلامی، فلسفی، سیاسی، هنری، اجتماعی، حقوقی و عبادی و اخلاقی متأثر از قرآن کریم است. قطعی بودن سند این متن، لاجرم بحث‌های پژوهش‌برانگیز اسلامی را به سمت فهم دلالت‌های آن رهنمون می‌شد و در این میان علم تفسیر، از گران‌بها ترین دانش‌های اسلامی عرصه شناخت تعالیم فکری، عملی اسلام، بر پایه قرآن گردید. تکرار گرفت.

مهدویت نیز از بحث‌های اصیل، ریشه‌دار و با سابقه در اسلام به ویژه مذهب اثنی عشری است. این بحث که نشان‌دهنده عظمت اسلام و بقا و دوام و ماندگاری احکام آن است، نه تنها میان شیعیان که در مذاهب دیگر مطرح شده است. اگرچه آثار گران‌بهای از زوایای گوناگون نگاشته شده؛ اما متقن‌ترین آنها به روایات مورد نظر خود تمسک کرده‌اند که امکان پدیداری یک زبان مشترک برای گفت‌وگو را از بین برده است. از آن‌جا که قرآن تنها منبع مورد اتفاق همه فرقه‌های اسلامی است، پرداختن به آن درباره هر یک از موضوعات مورد اختلاف - از جمله مهدویت - اهمیت دو چندانی دارد؛ به ویژه آن‌که اختلاف روایات، نظریه‌پردازی در این حوزه را مشکل نموده و در صورتی

که به نحوی در خصوص مباحث مهدویت در آیات قرآن استفاده‌ای صورت گیرد، از اتقان بیشتری برخوردار و کمک شایانی به تقریب بین المذاهب خواهد نمود.

گروه قرآن و مهدویت پژوهشکده انتظار نور در راستای اندیشه فوق بناگذاری شد، ضرورت مرور تفاسیر قرآن بر محور بحث مهدوی و شناخت آیاتی که به نحوی مفسران از آنها به صورت تخصصی، در زمینه فوق بهره‌برداری کرده‌اند؛ موجب گردید در مرحله اول سه موضوع در دستور کار قرار گیرد:

۱. دست‌یابی به پیشینه مهدویت در تفاسیر امامیه و غیرامامیه؛

۲. نقد و بررسی دیدگاه مفسران امامیه و غیرامامیه درباره مهدویت؛

۳. پرداختن به موضوعات مهدویت به صورت تخصصی.

دست‌یابی به پیشینه مهدویت در تفاسیر در راستای شناسایی آیات مهدویت و آشنایی با دیدگاه مفسران محتاج صورت می‌گیرد. در این مورد پس از فحص و تتبع فراوان حدود ۶۰۰ آیه شناسایی شد که به نحوی مفسران درباره یکی از موضوعات مهدویت مطالبی ذیل آنها ذکر نموده‌اند.

از طرف دیگر جهت دست‌یابی به انظار مفسران، و با توجه به الزامات یک پروژه تحقیقاتی بیش از ۱۴۰ عنوان از تفاسیر مهم امامیه و غیرامامیه با رویکرد نقلی، ادبی، کلامی، عرفانی، عقلی، اجتماعی و... به وسیله پانزده نفر از قرآن‌پژوهان بررسی و کاوش شد و نکات مربوط به مباحث مهدویت استخراج گردید. دقت در انتخاب تفاسیر موردنظر یکی از مشکل‌ترین مراحل طرح فوق بود که طی گفت و گو با صاحب‌نظران و لحاظ مشابهت تفاسیر در سبک‌های تفسیری، مذهب مفسر، قرن تألیف و...؛ تفاسیر صاحب سبک و نوآوری‌گزینش شدند. الزاماً این تلاش و وسواس به معنای نفی اعتبار دیگر آثار تفسیری نیست. و گسترش دامنه این تحقیق در دیگر تفاسیر از برنامه‌های آتی گروه می‌باشد. نتیجه بررسی فوق، جمع‌آوری حدود ۴۰۰۰ فیش در موضوعات مختلف مهدوی بود.

بدیهی است تمام آیات مذکور را نمی‌توان به عنوان آیات مهدویت قلمداد کرد، اما مفسران این آیات را جری و تطبیق^۱ یا تأویل^۲ و یا تفسیر^۳ به مهدویت نموده یا آن‌که استطراداً مطلبی در این خصوص نقل نموده‌اند. در تفاسیر روایی هم آیات بسیاری از منظر معصوم علیه السلام از باب جری و تطبیق به مباحث مهدویت مربوط می‌شود.

دیدگاه‌های مختلف مفسران در مباحث مهدویت محققین را بر آن داشت تا مباحث مطرح شده را محور یابی نمایند و آن محورها تبدیل به محورهای پژوهشی گردد. با دسته‌بندی این محورها به موضوعات عام و ریزموضوع، مباحث مهدویت از چینش منطقی مناسبی برخوردار گشت که دست‌رسی به محتوای مباحث مهدویت، آسان و سهل می‌نماید. تمام تلاش فوق بیانگر پیشینه مهدویت در تفاسیر بود که در مجموعه پیش رو با هدف عرضیه تحقیقات انجام شده به منظور دست‌یابی سریع و آسان محققان به مطالب مورد نیاز، اقدام به ارائه نمایه‌ای از مأخذ تفسیری مهدویت شده است. در این مجال، جایی برای ارزیابی تلقی مفسران لحاظ نشده و صرفاً با رعایت امانت، دیدگاه‌های آنها (با قوت و ضعف‌هایشان) نقل شده است.

۱. «تطبیق» به معنای حمل آیه بر مصداق آن می‌باشد. آن‌جا که در محدوده دلالت لفظی به کار می‌رود، به معنای تفسیر بوده؛ آن‌جا که مصداق قابل انطباق بر مدلول لفظی نباشد، هم معنای تأویل است. (مید زنجانی، مبانی و دوش‌های تفسیری قرآن، ص ۱۲۶-۱۲۷).

۲. «تأویل» از نظر لغت به معنای «بازگرداندن» و از ریشه «اول» به معنای «بازگشتن» می‌باشد. این اصطلاح در حوزه مباحث علوم قرآنی تعریف یک‌سان به عمل نیامده است، ولی آنچه از مجموعه نظرها می‌توان چنین استنباط نمود: «آنچه را که به لحاظ ظهور الفاظ و با شناخت واژگان آیات شریفه برای همگان آشکار می‌شود را تفسیر ولی آن بخشی از الفاظ که فهم معانی آنها از ظهور لفظ به دست نمی‌آید بلکه از ناحیه خدای متعال و راسخان در علم حاصل می‌شود را تأویل گویند». (جهت مطالعه معانی تأویل ر. ک محمد هادی معرفت، التفسیر و المفسرون، ج ۱، ص ۲۰-۲۲).

۳. «تفسیر» از نظر لغت از ماده «فسر» به معنای «بیان کردن و آشکار نمودن موضوع پوشیده» می‌باشد و در اصطلاح به معنای «کشف مراد از لفظ مشکل می‌باشد». (فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۹؛ راغب اصفهانی، المفردات، ذیل ماده «فسر»).

نقد و بررسی دیدگاه‌های فوق (از جمله مستندسازی روایات تفسیری مهدویت، نقد برخی دیدگاه‌ها و ...) و پرداختن به موضوعات مهدویت به صورت تخصصی از منظر قرآنی (از جمله نگاه قرآنی به آینده بشر، پی‌گیری بحث رجعت در قرآن، حکومت جهانی در قرآن و ...) از برنامه‌های آتی گروه قرآن و مهدویت می‌باشد.

خاستگاه اندیشه مهدویت

از یرباز عالمان مسلمان - محدثان، مفسران و متکلمان - در آثارشان همسان با دیگر موضوع‌ها و بحث‌های علمی به گفت‌وگو درباره ظهور مردی از خاندان نبوی به نام حضرت مه‌دی در دوره پایانی جهان و پیش از برپایی روز قیامت و در هنگامه فراگیر شدن در ساحت‌های مختلف جامعه بشری پرداخته و مژده به قیام آن حضرت را از یک سبب خوش‌آیند درباره رهایی نظام جهانی از سیطره حاکمیت زورمندان، زردوسان و نزورگان شمرده و از دیگر سو، از آن به عنوان عاملی جهت برقراری نظم و نظامی جدید مبتنی بر خداپرستی و فرمان‌برداری از قوانین الهی، با هدف تحقق بخشیدن به اصل کرامت انسانی و عدالت در عرصه‌های مختلف گوناگون زندگی به همراه امنیت و ثبات، آسایش مادی و آرامش معنوی یاد نموده‌اند. امروزه در گفتارها و نوشتارها از این تفکر پیشینه‌دار اسلامی به نام «مهدویت» تعبیر شده است.

دانش تفسیر از قدیمی‌ترین دانش‌های حوزه علوم اسلامی و تاریخ پیدایش آن همزاد با نزول آیات قرآن کریم است. از این رو نخستین گروه مسلمانان - صحابه - و به دنبال آنان تابعان و دیگر عالمان جهان اسلام تلاش کرده‌اند تا در پرتو این سرچشمه و حیاتی از رمز و راز معنادار واژه‌ها و گزاره‌ها، بحث‌ها و موضوع‌های مختلف و متعدد قرآن، از جمله مهدویت به فراخور توان فکری بشری پرده بردارند. محصول این جوشش‌ها و کوشش‌های فکری در یک دوره ۱۴۰۰ ساله پدیداری

صدها اثر تفسیری یافته یا نیافته از مفسران شیعه و اهل سنت است. اندک نگاهی به بخش‌هایی از این نوشته‌ها حکایت از توجه خاص مفسران به آیات و روایات تفسیرگر آنها درباره موعود جهانی حضرت مهدی دارد. اما نکته شایان توجه این‌که: این باور عمومی در انظار دانشمندان مذاهب اسلامی یک‌سان برداشت و تفسیر نشده است، عالمان شیعه امامیه هم رأی و هم داستان بر این باورند که منجی موعود جهانی دوازدهمین امام معصوم علیه السلام فرزند امام حسن عسکری علیه السلام از سلسله دودمان نبوی - علوی است وی زنده و تا زمانی ناشناخته، پنهان از دیدگان عموم مردم است تا آن‌گاه که خدای متعال اراده به ظهورش نماید. اما در برابر، اغلب متفکران اهل سنت معتقدند که این شخصیت والامقام تاکنون پا به عرصه وجود نگذاشته و در آینده‌ای نامعلوم به دنیا آمده و جهان‌آکنده از پیداد را به عدل و داد می‌رساند^۱. با این وصف، مذاهب اهل سنت درباره این‌که آن حضرت از فرزندان کدام یک از نسل پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله است رأی یکسانی صادر نکرده‌اند. با وجود این، خاستگاه اندیشه مهدویت و منجی آخرالزمان در متون دینی و به ویژه قرآن کریم است و به هر میزانی که این نظریه به متن مستند شده؛ به وحدت و اشتراک نزدیک‌تر گردیده و جایگاه مهدویت در آثار تفسیری روشن‌تر می‌شود.

پیشینه موضوع

با توجه به اهمیت و اصالت قرآن در اندیشه‌های اسلامی از سویی و جایگاه و ضرورت بحث مهدویت از سوی دیگر، از گذشته در مکتوبات متعددی این دو، در معرض یکدیگر قرار گرفته‌اند و پژوهش‌گران تلاش داشته‌اند مباحث مهدویت را از قرآن به دست آورند. بسیاری از این تلاش‌ها به ثمر نشسته و آثار خوبی در این زمینه در دست است، از جمله:

۱. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۸۱.

در باب سیزدهم کتاب الغیبة مرحوم نعمانی بخشی تحت عنوان «ما نزل فيه عليه السلام من القرآن» آمده که تعدادی از آیات مهدویت را نقل کرده است.^۱

فصل دوم منتخب الانوار المضية في ذكر القائم الحجة عليه السلام به قلم مرحوم سید بهاء‌الدین نیلی نجفی از علمای قرن هشتم و نهم نیز به همین مسئله اختصاص یافته که با عنوان «فی اثبات امامته و وجوده و عصمته من الکتاب» آورده شده است.^۲

علامه مجلسی نیز در جلد ۵۱ کتاب بحار الانوار تحت عنوان «باب الآيات المأولة بقيام القائم عليه السلام» اختصاص داده است و ۶۶ روایت را که در بردارنده آیات مهدویت است در این باب ذکر کرده است.^۳

اما از حد دقران یازدهم به بعد کتاب‌های مستقلی درباره آیات مهدویت نوشته شده که از مهم‌ترین آنها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

المحجة فيما نزل في القائم الحجة عليه السلام از سید هاشم بحرانی متوفای سال ۱۱۰۹ ه. ق صاحب تفسیر البرهان، وی ۱۲۰ آیه از آیات قرآن را با توجه به روایات رسیده از معصومین عليهم السلام که آیه را به مهدویت تفسیر یا تأویل نموده‌اند بیان کرده است. ایشان در ذکر آیات مهدویت و همین‌طور روایات ذیل آن، قصد تفصیل و اطناب نداشته و تفصیل مطلب را به تفسیر خود البرهان واگذار نمود است و در آن جا ذیل بیش از ۱۲۰ آیه روایاتی در ارتباط آنها با بحث مهدویت ذکر کرده است لذا می‌توان گفت «بحرانی» در کتاب المحجة خواسته است یک مجموعه مختصر و مفید در زمینه آیات مهدویت به جامعه علمی عرضه نماید.

این کتاب توسط آقای سید مهدی حائری قزوینی تحت عنوان سیمای حضرت مهدی عليه السلام در قرآن ترجمه شده است.

۱. نعمانی، الغیبة، تحقیق: فارس حسون، ص ۲۴۷.

۲. علی بن عبدالکریم نیلی نجفی، منتخب الانوار المضية.

۳. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۴۴.

جناب آقای محمد حسین رضوی کتاب المحجة را با افزودن یک مقدمه نسبتاً طولانی و تعلیقه تحت عنوان المهدی الموعود فی القرآن الکریم ارائه نموده است. معجم احادیث الإمام المهدی، الجزء الخامس الآيات المفسرة جلد اول زیر نظر شیخ علی کورانی^۱؛ در ابتدای کتاب، این نکته یادآوری شده که در این کتاب، آیات مهدویت با توجه به روایات تفسیراً یا تأویلاً یا تطبیقاً و یا استشهاداً آمده، و گاهی اقوال مفسران را با احتمال این که گفتار آنان اشاره به قول معصوم علیه السلام باشد ذکر می نماید.

ویژگی مهم کتاب فرقی است که پس از ذکر روایت ذیل آیه، منابع مهم روایی و بعضاً تفسیری شیعه را منبسط که این روایت در آن ذکر شده است را به ترتیب زمانی ذکر می نماید که برای مقایسه بسیار حائز اهمیت و سودمند باشد.

مجموعاً ۲۶۶ آیه به ترتیب چینش سوره های قرآنی، به عنوان آیات مهدویت ذکر شده و قابل استفاده برای عرب زبانان یا آشنا آن زبان عربی می باشد.

الامام المهدی علیه السلام فی القرآن و السنة از سعید ابومعاش^۲؛ این کتاب نیز همانند کتاب فوق، آیات مهدویت را با توجه روایاتی که ذیل آن روایت کرده می نماید با این تفاوت که:

الف: آیات بیشتری را ذکر نموده است؛ یعنی حدود ۱۰۰ آیه بیشتر.
ب: روایات بیشتری ذیل هر آیه ذکر نموده و مجموعاً ۱۰۰ روایت را گردآوری کرده است.^۳

ج: این اثر در ذکر منابع روایات فقط به یک منبع روایی و تفسیری اکتفا کرده است و از این جهت امتیاز کتاب معجم احادیث امام مهدی علیه السلام را ندارد.

۱. زیر نظر شیخ علی کورانی، معجم احادیث الامام المهدی، قم: مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۱ ق، ج ۱، جزء ۵.

۲. سعید ابومعاش، الامام المهدی علیه السلام فی القرآن و السنة، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس، ۱۴۲۲ ق، ج ۱.

۳. روایات نقل شده در این کتاب اعم از روایات مفسره و غیر آن است.

قاطع البیان فی الآیات المتزلة او المؤولة بصاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف اثر شیخ فضل الله عابدی خراسانی^۱: مؤلف محترم ۲۰۲ آیه از آیات مهدویت را به سبک سه کتاب گذشته یعنی با ذکر روایات رسیده از ناحیه معصومین علیهم السلام در تفسیر یا تأویل آیه در ارتباط با بحث مهدویت ذکر نموده است.

در ذکر منابع هر روایت به یک منبع اکتفا نموده و مجموعاً این روایات را از ۲۲ منبع روایی و تفسیری ذکر نموده است.

ویژگی چهار کتاب گذشته این است که صرفاً روایات، ذیل آیه ذکر گردیده و به جز موارد بسیار اندک شرح و توضیحی درباره آن داده نشده است و نکته دیگر این که همه این چهار کتاب به زبان عربی است.

سیمای مهدویت در قرآن: قلم محمد جواد مولوی نیا^۲: این کتاب به زبان فارسی است و مؤلف ۱۷۵ آیه از آیات شمس مهدویت را همراه با شرح واژه آیات و توضیح مختصری در رابطه با ارتباط آیه با بحث مهدویت همراه با ذکر روایات مهم ذیل آیه مطرح نموده است.

ویژگی مشترک تألیفات مذکور تمرکز به روایات یا تفسیر برخی آیات از منظر مهدوی با نگاه مصنف است. اما در مجموعه پیش رو موارد ذیل مورد توجه قرار گرفته است:

۱. دایره متون تحقیقی از روایات به استنباطات مفسران علیهم السلام گردانده شده است.
۲. دامنه پژوهش شامل قرون اولیه تا معاصر، فرقه‌های مختلف اسلامی، نحله‌ها و مشرب‌های متفاوت فکری، تفاسیر موجز و مفصل، فارسی و عربی، روایی و غیرروایی می‌باشد.

۱. فضل الله عابدی خراسانی، قاطع البیان فی الآیات المتزلة او المؤولة بصاحب الزمان علیهم السلام، مشهد: دارالمرتضی للنشر، ۱۴۰۴ ق.

۲. محمد جواد مولوی نیا، سیمای مهدویت در قرآن، مؤسسه امام عصر علیهم السلام، ۱۳۸۱.

۳. مجموعه کار به صورت گروهی انجام پذیرفته و از هر گونه اعمال نظر شخصی و نقد و نظر در این مرحله خودداری شده است.

۴. موضوعات پیرامونی بحث در مهدویت از قبیل غیبت و لوازم آن، رجعت، نزول حضرت عیسی علیه السلام و اشراط الساعة مدنظر قرار گرفته است.

۵. گسترش حوزه مطالعه از آیات مشهور به آیات مهدویت به ۶۰۰ آیه و برداشت مطالبی در خصوص مهدویت ذیل آنها.

با همه این اوصاف، مجموعه پیش‌رو، نمایی است از نظر مفسران در خصوص مباحث مختلف مهدویت، که در برخی موارد نیاز به بررسی و حتی نقد دارد. این هدف در آثار بعدی و سامان خواهد شد.

شیوه نامه

اطلاعات نامنظم نمی‌تواند در دایس و یا ساخت ذهنی افراد تأثیر کند و در آن تحول و کمالی به وجود آورد، لذا باید آنها را به گونه‌ای تنظیم کرد که طبق برنامه و سیاستی مشخص و به شکلی همگون در جهتی واحد قرار گیرند و نیاز مراجعه‌کننده را به آسانی و با ضریب بالایی از دقت برآورند.

برای سامان‌دهی و تنظیم اطلاعات موجود در متون روش‌هایی وجود دارد، از جمله: رده‌بندی مدارک، چکیده‌نویسی و نمایه‌سازی. رده‌بندی مدارک عبارت است از تنظیم در قفسه‌ها و طبقه‌بندی براساس موضوع برای سهولت دست‌یابی به موضوع. چکیده‌نویسی یعنی ارائه خلاصه، فشرده و نکات اصلی مدارک برای آسان کردن تصمیم‌گیری استفاده‌کننده در رجوع به اصل مدارک و عدم آن.

نمایه‌سازی عبارت است از: توصیف کردن محتوای مدارک در قالب واژه‌ها به منظور جست‌وجوی محتوای مدارک و به دست آوردن اطلاعات مورد نظر از جای جای متون توصیف شده (نمایه شده).

هر یک از روش‌های فوق در جای خود مفید و لازم است ولی با توجه به رشد سریع دانش و اطلاعات و ناتوانی انسان از جنبه‌های مختلف در دسترسی به آنها، بهترین روش برای ساماندهی اطلاعات و ذخیره و بازیابی آنها به روش علمی و پذیرش قابلیت‌های گوناگون در برآوردن نیاز استفاده‌کنندگان، نمایه‌سازی است.

اگرچه نمایه معمولاً به فهرست راهنما اطلاق می‌شود که در انتهای کتاب آورده می‌شود، اما در تعریفی دیگر «نمایه» صورتی از موضوع و واژه‌های مهم، اسامی و دیگر مطالب یک یا چند کتاب و ارجاع به صفحاتی می‌باشد که این مطالب در آن واقع شده است. در مجموعه پیش رو، موضوعات مهم هر یک از متون تفسیری در خصوص مهدویت بررسی و جو شده، و همراه با مشخصات آن تفسیر نقل شده است. در این روش تلاش بر آنست که دن مفاهیم بوده نه واژه‌هایی که مفسر به وسیله آنها، این مفاهیم را ارائه کرده است، زیرا ما کن است مفسر زبانی مبهم، تخصصی، عامیانه، سنگین یا غیر قابل قبول را به کار برده باشد. برای فراهم آوری نمایه‌های پیش رو سه مرحله طی شده است:

۱. آشنایی با متون مورد نظر: در این مرحله فیش‌های استخراجی از منابع مختلف مورد بررسی و مطالعه قرار گرفت. با توجه به این که مورد جمع آوری‌ها مباحث مهدویت، مقدمات و تأثیرات آن، در ۱۴ قرن متون تفسیری، در مذهب‌ها و سبک‌های مختلف تفسیری بود؛ دسته‌بندی آنها لازم و ضروری به نظر می‌رسید.

از آن جا که هدف این طرح تدوین پیشینه مهدویت در آثار تفسیری برای دسترسی آسان‌تر محققین این عرصه بود، چپ‌نش محتوایی (موضوعی) فیش‌ها نزدیک‌ترین راه رسیدن به مقصود بود.

۲. تحلیل محتوای فیش‌ها: در این مرحله گزیده‌متون تفسیری مورد نظر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و هر یک از متون تحت عنوان یا عناوینی از مهدویت لحاظ گردید. این عناوین و اصطلاحات و واژه‌های قراردادی بودند که کار دسته‌بندی و رجوع به متون تفسیری را آسان می‌کردند، از جمله تفکر مهدویت، وجود امام مهدی علیه السلام، ویژگی‌های عام امام مهدی علیه السلام، نشانه‌های ظهور، انتظار، اشراط الساعة، رجعت و حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام.

در نمایه‌سازی تنها موضوع اصلی و مهم نمایه شده و از پرداختن به فروع و پرداختن به مباحث جزئی خودداری شده است.

۳. گزینش واژه از واژه‌های تعیین شده است که با اصطلاحات متن نیز مطابقت داشته باشد.

این امر سبب گردید تا از به کارگیری اصطلاحات نامأنوس جلوگیری شده و اصطلاحات مرجع انتخاب شوند.

تمام تلاش‌های فوق در این جهت انجام گرفت که اگر خواننده‌ای فرصت ندارد یا نمی‌خواهد تمام تفاسیر را به تفصیل بخواند بتواند با مراجعه به نمایه موردنظر تصمیم بگیرد که کدام موضوع و بخش تفسیری برای تحقیق او مفید است و کدام بخش را مراجعه نکند تا بدین وسیله دچار اتلاف وقت نشود.

با توجه به نگاه تخصصی که به متون تفسیری شده است محورهای مذکور، نزدیک‌ترین موضوع به نظر آمده و الزامی برای محققین از جهت مراجعه به متن و ارائه برداشتی جدید از آن وجود خواهد داشت؛ لذا روش کار نقل هر یک از آیاتی است که مفسران ذیل آن مطالبی را درباره مهدویت نقل کرده‌اند. سپس با سبک نمایه‌زنی، اهم موضوعات طرح شده از سوی مفسران ذیل آن آیه نقل و آدرس داده شده است.

تذکر چند نکته ضروری

۱. از آن جا که متن تفسیر در مجموعه پیش رو نیامده است، محققین صرفاً با نمایه‌ای از بحث مهدویت در ذیل هر یک از آیات آشنا می‌شوند طبیعی است که این مقدار از اطلاعات آنها را از مراجعه به متون تفسیری بی‌نیاز نمی‌سازد.
۲. مبنای این پژوهش نقل مطالب تفسیر، با حفظ امانت بوده و ذکر آنها در این مجموعه به معنای تأیید آنها نیست. نقد و بررسی متون تفسیری درباره مهدویت، یکی از هزاران کار ناشده مباحث مهدویت می‌باشد که در دستور بعدی گروه قرآن و حدیث است.
۳. با توجه به کاربرد برخی کلمات تخصصی، جهت استفاده آسان تر برخی اصطلاحات به اجمال در پاورقی توضیح داده شده است.
۴. چینش منابع بر اساس زمان تألیف تفسیر بوده است از تفسیر قدیمی شروع و به تفسیر جدید پایان می‌پذیرد.
۵. در پایان نمایه اصطلاحات، اشخاص و تفاسیر جهت دسترسی آسان تر محققین افزوده شده است.

محورها و عناوین

دسته‌بندی و طبقه‌بندی مطالب به همراه چینش منطقی میان آنها سرعت و سهولت کار تحقیق را برای دانشوران فراهم می‌آورد و این موضوع با تعیین و تفکیک محورها و عنوان‌های اصلی و فرعی در یک ساختار منطقی امکان‌پذیر است. از آن جا که در حوزه مهدویت، موضوعات قابل طرح مختلفی وجود داشته و هر یک از این حوزه‌ها به صورت تخصصی مخاطبان خاص به خود دارد؛ گروه قرآن و مهدویت تلاش نمود

با ارائه موضوعات متنوع و مرتبط با بحث، و دسته بندی آرای مفسران، نیازهای تحقیقی پژوهشگران مهدوی را برآورده سازد. این موضوعات عبارتند از:

۱. آینده بشریت و اندیشه نجات بخشی.

۲. تفکر مهدویت.

۳. وجود امام مهدی علیه السلام.

۴. ولادت و کودکی امام مهدی علیه السلام.

۵. نسب امام مهدی علیه السلام.

۶. امامت حضرت مهدی علیه السلام.

۷. ویژگی های امام مهدی علیه السلام.

۸. ویژگی های خاص امام مهدی علیه السلام.

۹. غیبت.

۱۰. انتظار.

۱۱. نشانه های ظهور.

۱۲. اشراط الساعة.

۱۳. ظهور وقایع ایام ظهور.

۱۴. وقایع ایام ظهور.

۱۵. رجعت.

۱۶. نزول حضرت عیسی علیه السلام.

۱۷. حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام.

۱۸. جهان بعد از شهادت حضرت مهدی علیه السلام.

هر یک از محورهای فوق بیش از ده ریزموضوع داشته و در موضوع یابی سعی شده تا نظر مصنف و تناسب مطالب با آیات مدنظر قرار گیرند. در ادامه به بیان اجمالی اهم محورهای فوق پرداخته می شود.

تفکر مهدویت

مهدویت، مصدر جعلی مهدی به معنای مهدی بودن است و در اصطلاح اعتقاد به ظهور مهدی علیه السلام را گویند که اسلام وعده قطعی و حتمی ظهورش را داده و استقرار عدالت در سراسر جهان به دست ایشان مقرر شده است.

اهل سنت در این که مهدی موعود علیه السلام از نسل پیامبر صلی الله علیه و آله است و زمین را پر از عدل و داد می‌کند، پس از آن که از جور و ستم پر شده باشد، این که عیسی مسیح علیه السلام از آسمان نازل شده و در پشت سر آن حضرت نماز می‌خواند، و این که مردم در عصر آن حضرت در راه زنای می‌کند تردید نداشته و احادیث متعددی در این خصوص در کتاب‌های بزرگان اهل سنت موجود است. اگر چه بیشتر آنها انکار می‌کنند که آن حضرت پسر بلاواسطه امام حسن عسکری علیه السلام و خلیفه دوازدهم رسول خدا صلی الله علیه و آله باشد. لذا اگر در برخی از تفاسیر امامیه مانند المنار تفکر مهدویت شدیداً مورد حمله قرار گرفته، قرائت شیعی مدنظر است و این که «رشید رضا» خواسته باشد اصل این اندیشه را زیر سؤال ببرد، جای تأمل دارد.

اما شیعه اعتقاد دارد مصداق این مفهوم معین است. او حضرت مهدی علیه السلام فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است که در سال ۲۵۵ هجری در سامرا به دنیا آمد و هم اکنون در پس پرده غیبت به سر می‌برد. بر این اساس اعتقاد شیعه مبتنی بر مهدویت شخصیه است. یعنی یک فرد است که مهدی این امت و موعود امت‌ها و ملت‌هاست. ابعاد و ویژگی‌های او مشخص و نشانه‌های ظهورش اعلام شده است.

ویژگی‌های عام و خاص

منظور خصوصیات و صفاتی است که در همه ائمه علیهم السلام وجود دارد نظیر علم و

عصمت ائمه علیهم السلام، در مقابل ویژگی های خاص که اختصاص به حضرت مهدی علیه السلام دارد مانند طول عمر.

اشراط الساعة

«اشراط» جمع «شرط» و به معنای علامت، و «ساعة» به معنای قیامت است. و مقصود از آن علائم و نشانه های قیامت می باشد، چنانچه در آیه ۱۸ سوره محمد علیه السلام آمده است: «يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا». اگرچه در بدو امر به نظر می رسد از تطابق بین اشراط الساعة و بحث مهدویت وجود ندارد، اما این دو موضوع به دلایل ذیل به هم مرتبطند:

اول آن که، در روایت مشهدی و فریقین، ظهور حضرت مهدی علیه السلام و نزول حضرت عیسی علیه السلام به عنوان اشراط الساعة ذکر شده است.

دوم؛ مواردی از قبیل خروج سعیانی، دجال، خسف و... که در منابع اهل سنت به عنوان اشراط الساعة مطرح گردیده، در منابع امامیه به عنوان علائم ظهور قلمداد شده است.

به علاوه این که در منابع اهل سنت، بحث مهدویت زیر مجموعه بحث معاد و در بخش اشراط الساعة مطرح گردیده است؛ لذا نوع نگاه امامیه به بحث مهدویت با نگاه اهل سنت متفاوت است. آنان مهدویت را به عنوان یکی از علائم قیامت می دانند، در حالی که امامیه به مهدویت نگاه اصلی داشته و آن را عصاره برنامه انبیا و اولیا علیهم السلام و حجت و خلیفه خداوند که واسطه فیض بین خالق و مخلوق می باشد، می داند.

عدم اطلاع از نسبت بین این دو موجب گردیده برخی اشراط الساعة را با نشانه های ظهور خلط نمایند، و اموری از قبیل دخان، دابة الارض و طلوع خورشید از مغرب را، که صرفاً جزء اشراط الساعة می باشند به عنوان علائم ظهور ذکر نمایند. در مجموع می توان گفت نسبت بین اشراط الساعة و علائم ظهور عام و خاص

مطلق است. علائم اخص از اشراط الساعة بوده و اموری از قبیل سفیانی، دجال، ندای آسمانی و خسف، وجه مشترک این دو می باشد.

ظهور

در روایات، تعبیر گوناگونی نسبت به «ظهور» وجود دارد مانند یظهر، یبعث، یخرج، یقوم، در برخی از موارد همه این تعبیر بیانگر یک حقیقت واحده و آن تحقق وعده الهی و آمدن حضرت مهدی علیه السلام می باشد؛ ولی در برخی از متون تفاوت هایی بین این تعبیر دیده می شود، از جمله تفاوت ظهور با مسئله قیام؛ چرا که قیام بعد از ظهور تحقق می یابد و از نظر زمان و پاره ای از ویژگی ها متفاوت است. از همین جهت مباحث مربوط به «ظهور» در یک محور مستقل قرار داده شده و بحث قیام که بعد از ظهور حضرت مبارک علیه السلام عدد اصحاب حضرت به ده هزار نفر از مکه آغاز می گردد به عنوان وقایع ایام ظهور مطرح گردیده است.

رجعت

لغت نگاران رجعت را به معنای «بازگشت» یا «بازگشت به دنیا پس از مرگ» دانسته اند و در فرهنگ نامه اعتقادی شیعه امامیه عبارت است از: «بازگشت عده ای از مؤمنان خالص و کافران معاند به دنیا پس از مرگ^۱ و در هنگام و یا پس از ظهور حضرت مهدی علیه السلام و پیش از برپایی قیامت»^۲.

بی گمان این اعتقاد و ایمان از مختصات و امتیازهای مورد اتفاق و بلکه از ضروریات مذهب امامیه است،^۳ شیخ مفید در این باره نوشته است: «إِنَّ الَّذِي تَذْهَبُ

۱. شیخ مفید، اوائل المقالات، بیروت، دارالمفید، ۱۴۱۴ ق، ص ۷۷. و همو، تصحیح الاعتقادات الامامیه، تحقیق

حسین درگاهی، بیروت، دارالمفید، ۱۴۱۴ ق، ص ۹۰.

۲. محمد بن حسن عاملی، الایقان من المجمع: ت. احمد جتی، تهران، نوید، ۱۳۶۲، ص ۲۹.

۳. محمد بن حسن طوسی، رساله العقاید الجعفریه، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، بی تا، ص ۲۵۰.

إليه الشيعة الإمامية أن الله تعالى يُعِيدُ عند ظهور المهدي عليه السلام قوماً ممن كان تقدم موته من شيعته و قوماً من أعدائه»^۱ از جمله مواردی که شیعه به آن رأی داده این است که: «خدای متعال در هنگام ظهور مهدی عليه السلام گروهی از پیروان و دوستان آن حضرت و دشمنانش را که مرده‌اند (زنده و به دنیا) بازمی‌گرداند و طبرسی با اندک اختلاف در تعبیر این گونه نوشته است: «يُعِيدُ عند قيام المهدي عليه السلام قوماً ممن تقدم موتهم من أوليائه... و يُعِيدُ أيضاً قوماً من أعدائه»^۲ و علامه حلی نوشته است: «از جمله اعتقادات شیعه بلکه ضروریات مذهب حقه رجعت دانسته‌اند»^۳. علامه مجلسی نوشته است: «از اخبار استناده می‌شود که خداوند منان در عصر غیبت ولی عصر عليه السلام گروهی از مؤمنان را زنده و چرمانشان را به ائمه دین و دولت حقه روشن می‌سازد و نیز گروهی از کافران و دشمنان دین را زنده می‌کند تا انتقام از آنها کشیده شود»^۴.

اکنون با توجه و تأمل در عرایض یاد شده می‌توان با اطمینان به پیوستگی دو مفهوم مهم در فرهنگ اعتقادی امامیه رجعت و ظهور حضرت حجت عليه السلام باور و به رابطه ناگسستنی میان آن دو رأی داد، زیرا عجمان شیعه با اقتباس از آنچه در روایات صادره از حضرات معصومان عليهم السلام به دست آورده در همین زمانه دوره رجعت را در هنگام یا پس از ظهور حضرت مهدی عليه السلام یاد کرده و سمواء نماد این ارتباط را در آثارشان نمایان ساخته‌اند. لذا دو نوع رجعت قابل استنتاج است:

الف: رجعت دوران ظهور: بنابر منابع دینی در این دوره کسانی که دارای ایمان خالص و جزء منتظران حقیقی بوده‌اند برای یاری حضرت به دنیا برمی‌گردند مانند

۱. شیخ مفید، تصحیح الاعتقادات الإمامیه، همان، ص ۹۰ و همو، اوائل المقالات، ص ۳۶۶.

۲. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، قم: امیر، بی تا، ج ۷، ص ۳۶۶.

۳. محمد بن حسن طوسی، رساله العقاید الجعفریه، ص ۲۵۰. و محمد بن حسن عاملی، الايقاظ من الهجعه، ص ۶۷.

۴. محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ق، ج ۵۳، ص ۱۲۶.

اصحاب کهف، پانزده نفر از قوم موسی علیهم السلام، مالک اشتر و...^۱ سران کفر و ضلالت نیز برای انتقام و مجازات زنده خواهند شد.

ب: رجعت پس از رحلت حضرت مهدی علیه السلام طبق بعضی روایات اولین شخصیتی که در این دوره رجعت می‌کند امام حسین علیه السلام است که با اصحاب خود رجعت می‌نماید و حکومت جهانی ایشان را استمرار می‌بخشد.

بخش عمده‌ای از آیات رجعت ناظر به پیشینه رجعت می‌باشد، مانند آیات ۵۵، ۵۶، ۷۳، ۲۴۳، ۲۵۹ از سوره بقره.

این آیات اولاً: امکان وقوع رجعت را اثبات می‌نماید، و ثانیاً: با ضمیمه نمودن روایت رسول کرامی صلی الله علیه و آله که فرمودند: هر چه در بنی اسرائیل واقع شده در امت اسلام نیز واقع خواهد شد. وقوع رجعت در اسلام را اثبات می‌کنند.^۲

بخش دیگری از این آیات ناظر به وقوع رجعت در آینده می‌باشند، مانند آیه ۸۳ سوره نمل و آیه ۱۱ سوره مؤمن.

نزول حضرت عیسی علیه السلام

فرود آمدن پیامبر بزرگ خدا، عیسی بن مریم علیه السلام از آسمان به هنگام قیام امام مهدی علیه السلام از دیدگاه همه مسلمانان با وجود اختلاف در ماه و یک واقعت ثابت بوده و از اموری است که تردید در آن راه ندارد. نزول این پیامبر علیه الشان الهی به عنوان یاری حضرت مهدی علیه السلام و اقتدا در نماز و فراخواندن جهانیان ویژه مسیحیان به پیروی از ایشان نقش عمده‌ای در پیشبرد اهداف حضرت خواهد داشت. همین موضوع موجب ارتباط نزول حضرت عیسی علیه السلام و ظهور حضرت مهدی علیه السلام شده است.

۱. تفاسیر عیاشی، مجمع البیان، کنزالدقائق، البرهان، صافی و نورالذقین ذیل آیه ۱۵۹ اعراف.

۲. تفاسیر مجمع البیان و صافی، ذیل آیات ۵۵ و ۵۶ سوره بقره.

در تفاسیر اهل سنت موضوع نزول حضرت عیسی علیه السلام بسیار پررنگ‌تر از بحث ظهور مطرح گردیده، به گونه ای که در برخی از تفاسیر آنان هیچ مطلبی در رابطه با ظهور حضرت مهدی علیه السلام نیامده است.^۱ در مقابل حدیث «لامهدی إلا عیسی» که در برخی از آثار آنان به چشم می‌خورد و مواردی از قبیل تبلیغ و ترویج شریعت اسلام، برقراری عدالت و... که در روایات امامیه مربوط به حضرت مهدی علیه السلام دانسته شده به حضرت عیسی علیه السلام نسبت داده شده است.

البته برخی از مفسران اهل سنت این حدیث را از نظر سند و متن مورد نقد قرار داده‌اند و تأویلات گوناگونی بر آن ذکر نموده‌اند.^۲

مهدویت در تفاسیر

در این جا لازم است توضیح دهیم چرا این عناوین تحت عنوان «مهدویت در تفاسیر» طرح می‌شوند؛ دلیلش آن است که بنابر تعریفی که از «مهدویت» گذشت این اصطلاح بر «مهدی بودن» اشاره دارد و مبلاتی از قبل اشراف الساعة یا رجعت از نشانه‌های آخرالزمان هستند و ذیل این عنوان باید مطرح شوند نه مهدویت. چنانچه در دائرة المعارف قرآن کریم اموری از قبیل بحران معنویت، وقوع اختلاف‌ها و درگیری‌های بسیار، ظهور دجال، وقوع مصائب، خروج سفیان بن ادایم آسمانی، ظهور منجی بزرگ بشر، نزول حضرت عیسی علیه السلام، خروج جنبه‌ای از زمین «دابة الارض»، هجوم یاجوج و ماجوج، رجعت، و صلح و آرامش پایدار در سرتاسر جهان از نشانه‌ها و رخدادهای مهم آخرالزمان برشمرده شده است.^۳ از این منظر «دوره اسلامی» همان دوره آخرالزمان است که تحقق کامل دیدگاه مثبت اسلام درباره پایان

۱. به عنوان نمونه: لباب التأویل فی معانی التنزیل، تفسیر القرآن الحکیم و تفسیر کتاب الله العزیز.

۲. قرطبی، الجامع لاحکام القرآن و اسماعیل حقی، روح البیان، ذیل آیه ۳۳ توبه.

۳. جمعی از نویسندگان، دائرة المعارف قرآن کریم، قم: مؤسسه بوستان کتاب، ج ۱، ص ۱۱۹-۱۲۴.

تاریخ، در عصر ظهور امام مهدی علیه السلام به وقوع خواهد پیوست.^۱

این تلقی با همان معنای مهدویت اصطلاحی، سازگاری دارد، اما با کمی توسعه در معنای مهدویت و تلقی آن به عنوان یک پدیده، با تمام مقدمات و پی‌آمدهایش، در این صورت اموری از قبیل اِشْرَاطُ السَّاعَةِ، رجعت و نزول حضرت عیسی علیه السلام مترتب به بحث مهدویت قرار می‌گیرند. بر این اساس نزول حضرت عیسی علیه السلام از آن جهت مورد توجه است که وی در بیت المقدس به نماز جماعت امام زمان علیه السلام اقتدا و در جنگ‌ها، ایشان نیز شرکت خواهد کرد. خروج سفیانی و خروج دجال نیز از نشانه‌های ظهور برشمرده‌اند. ندای آسمانی هم ذیل عنوان مهدویت قرار می‌گیرد؛ چرا که بنا بر آیات بیعه جبرئیل نخستین کسی است که با امام زمان علیه السلام بیعت و با صدایی بلند به گویان در به گوش همه جهانیان برسد، این آیه را تلاوت می‌کند: **أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ**. زنان شام دوباره برخی از نیکوکاران و بدکاران زمان‌های گذشته (رجعت) هم از این لحاظ که ممان برمی‌گردند تا به آرزوی دیرینه خود، برای یاری منجی آخرالزمان برسند و کفران زنده می‌شوند تا به دست موعود منتظر مورد انتقام قرار گیرند، مورد توجه بوده است.

براین اساس مهدویت محدود به معنای اصطلاحی آن نبوده و در این نوشتار مفهومی است که کلیه مقدمات و پیامدهای فکری و عملی ظهور امام زمان علیه السلام را در برمی‌گیرد.^۲

۱. همان، ص ۱۱۹.

۲. عبور از معنای اصطلاحی و جعل معنایی عام برای مهدویت در آثار برخی دیگر از محققین نیز قابل مشاهده است. از جمله:

الف) محمد یعقوب بشوی، در کتاب خود تحت عنوان نقد احادیث مهدویت از دیدگاه اهل سنت مباحث پیشینه عقیده مهدویت، نظر خلفای دوازده‌گانه درباره حضرت مهدی علیه السلام، نشانه‌های ظهور و عصر پس از ظهور را مورد بررسی قرار داده است. (محمد یعقوب بشوی، نقد احادیث مهدویت از دیدگاه اهل سنت، قم: مرکز جهانی علوم

مآخذشناسی توصیفی تفاسیر

۱۴۰ دوره تفسیر بررسی شده شامل سبک های مختلف تفسیری، مذاهب گوناگون و شرایط متنوع مکانی مفسران شیعه از قرن سوم هجری تا به حال می باشد. مفسران اهل سنت نیز شامل مجموعه مطالعاتی پیش رو گردیده و بخش عمده تفاسیر آنها مورد بررسی قرار گرفته است. ذیلاً هر یک از تفاسیر مطالعه شده، به ترتیب قرن نگارش، در دو بخش شیعه و اهل سنت، به اجمال معرفی می شود:

الف - تفاسیر امامیه

در سده های اولیه، تفسیرهای حسین، عیاشی و فرات کوفی، از حسین بن حکم کوفی (م ۲۸۶ق)، محمد بن مسعود ساشی (قرن ۳) و فرات بن ابراهیم کوفی

→ اسلامی، ۱۳۸۴.

ب) علیرضا ابراهیم در کتاب مهدویت در اسلام و دین زدنتش ذی القعدة سال ۱۳۸۴ هجری قمری، در باب «اصطلاح مهدویت به مکتب های فکری اطلاق می شود که شاخصه اصلی آن اعتقاد به دوره آخرالزمان و انتظار ظهور منجی و رهاننده باشد. ارکان عمده این مکتب ها که ریشه در باورهای شیعی دارد عبارتند از: ۱. اسارت ۲. غیبت ۳. انتظار ۴. نجات».

در توضیح مهدویت گفته اند که فرد یا قومی که در وضعیت اسفبار گرفتار شده و متحمل رنج ها، مصائب می شود، چشم به راه ظهور فرد یا گروهی دارد که در اختفا و غیبت به سر برده و در آینده ظهور خواهد کرد و نجات و رهایی انسان ها را به ارمغان خواهد آورد. البته مهدویت عناصر و ارکان دیگری نیز دارد که به تبع چهار رکن اصلی در زمان مقتضی پدید خواهد آمد. عناصری مانند تحول در آداب و شعائر دینی و تغییر در نظام بشری. به هر روی، بحث مهدویت با عناوینی همچون Messianism به معنای «مهدویت، مهدویت باوری، مسیحا باوری و موعود باوری» Millenniumism به معنای «هزاره گرایی»، اعتقاد به فرارسیدن هزاره سلطنت مسیح و اعتقاد به عصر سعادت Futurism به معنای «آینده نگری» مطرح می شود. البته هر کدام از این کلمات معمولاً در یک حوزه مطالعاتی خاص - اعم از سیاسی، اجتماعی، دینی و حتی علمی و ادبی - کاربرد بیشتری دارد. (علیرضا ابراهیم، مهدویت در اسلام و دین زدنتش، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۴، ص ۱۵).

۱. برگرفته از: سید محمد علی ایازی، شناخت نامه تفاسیر، رشت: کتاب معین، ۱۳۷۸.

(قرن ۳ و ۴) مورد بررسی قرار گرفته و در مجموع تعداد قابل توجهی فیش استخراج گردیده است. هر سه مفسر به اقتضای قرن سوم، به نقل روایات اکتفا کرده و از اظهار نظر در آن، خودداری کرده‌اند.

از تفاسیرهای قرن چهارم مانند: قمی، نعمانی، استرآبادی و الثیبان مورد بررسی و مطالعه قرار گرفت.

تفسیر قمی اثر راوی بزرگ و موثق شیعه، علی بن ابراهیم قمی (ت ۳۰۷ ق) می‌باشد. وی امام حسن عسکری علیه السلام را درک نموده است و تفسیر وی یکی از منابع کتب اربعه محسوب می‌شود. برخی از مفسران استدراکات قمی را به عنوان نظر خود نقل نموده‌اند هر چند به دلایل و شواهد اثر مذکور نمی‌تواند به طور کامل از علی بن ابراهیم قمی باشد. در ۸ جای این تفسیر نکاتی در خصوص بحث مهدویت ذکر شده است.

تفسیر نعمانی از محمد بن ابراهیم نعمانی (ابی زینب) (م ۳۴۲ ق)، به شیوه روایی و کلامی به رشته تحریر درآمده است. مرحوم مجلسی تمام این تفسیر را در جلد ۹۳ بحار، تحت عنوان «ما ورد عن امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام فی أصناف آیات القرآن» نقل کرده است. نعمانی در دوران غیبت شیعی زبیده و در شام وفات یافته، و از تفسیر وی ۱۵ فیش بهره برداری شده است.

تفسیر محمد بن قاسم استرآبادی (م ۳۸۰ ق) معروف به تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام بوده و مشهور است که به دستور حضرت املاء شده است، ولیکن در انتساب آن به حضرت جای تردید وجود دارد.

الثیبان اثر محمد بن حسن طوسی (شیخ الطایفه) (۴۶۰ - ۳۸۵ ق) را نخستین تفسیر جامع و فراگیر شیعی دانسته‌اند که استنباط و فهم قرآن را از انحصار نقل خارج

۱. هر چند در نام مؤلف اختلاف نظر است اما از باب غلبه نام ایشان هم در جلد کتاب‌های و هم در السنه محققان به نام علی بن ابراهیم آورده شده است؛ مسئله دیگر این که کتاب گنجایش مسائل این گونه را ندارد.

می‌نماید و با تکیه بر عقل، اندیشه‌ها و یافته‌های عالمان را به نقد کشیده است. از دو تفسیر فوق ۲۵ فیش استخراج گردیده است.

از مفسران قرن پنجم، جوامع الجامع، اثر گرنامه‌ی فضل بن حسن طبرسی بررسی گردید. این تفسیر بسیار موجز و ویژگی مهم آن، ادبی بودن آن است که با عبارات بسیار کوتاه، آیات قرآنی را تبیین می‌کند. از این تفسیر ۱۵ فیش درباره مباحث مهدویت بهره برداری گردید.

در قرن ششم، تفسیر دوض الجنان و دوح الجنان، اثر ابوالفتوح رازی (م ۵۵۲ ق) مورد بررسی قرار گرفت. مفسر از نقل و عقل در تفسیر خود استفاده کرده و لذا در رده تفاسیر اجتهادی محسوب می‌شود. در زمینه اخبار و آثار، هم از منابع و جوامع روایی شیعی و هم از اهل سنت استفاده می‌کند و به همین دلیل، حجم انبوه روایات صحیح و سقیم و اسرائیلیات، با ویژه‌ی بخش قصص و فضایل آیات و سوره‌ها، به این تفسیر راه یافته است. در ۲۴ مورد از این تفسیر در زمینه مهدویت استفاده شده است.

از تفاسیر قرن هشتم تفسیر جلاء الاذهان (کازر) تألیف حسین بن حسن جرجانی (۷۲۲ ق) ملاحظه شده است. این تفسیر در حقیقت، با سبب اصلاح و تغییر در عبارات و شیوه نگارش همان تفسیر ابوالفتوح رازی است. محدث از مدعی که «حقوق و مصحح این تفسیر می‌باشد، سراسر این کتاب را با تفسیر دوض الجنان ابوالفتح مقایسه کرده و مدعی شده است: «تفسیر حاضر از آغاز تا انجام، یعنی بدون هیچ مبالغه و اغراق، به استثنای خطبه و سبب تألیف - که به ناچار باید مغایر باشد - از تفسیر ابوالفتوح رازی مأخوذ است.» مبنای مفسر این بوده است که تفسیری موافق اخبار اهل بیت بنویسد. از این تفسیر ۳۷ فیش استخراج شده است.

در قرن نهم، تفسیر مواهب علیه از حسین بن واعظ کاشفی (۸۴۰ - ۹۱۰ ق) مورد ملاحظه قرار گرفته و از بیست جای آن در خصوص بحث مهدویت بهره‌برداری شده

است. مفسر به تفسیر تبیان شیخ طوسی و کشف زمخشری عنایت دارد و چون اهل معقول و سیر و سلوک است فتوحات مکيه ابن عربی را ارج می‌گذارد و به بیان سخنان شخصیت‌هایی همچون قشیری، عطار، سنایی و مولوی در نثر و نظم استناد می‌جوید. عقاید و جهت‌گیری کلامی در این تفسیر، بر وفق مذاق اهل سنت است و گفته شده، چون کاشفی در هرات، ملازم امیر علی شیرنوازی و جامی بوده و این کتاب را برای آنان و درخواست ایشان نگاشته، امکان ارائه عقاید شیعی خود را نداشته است. این تفسیر یک مرتبه توسط فیض کاشانی و یک مرتبه توسط ملا فتح الله کاشانی، مطابق با مذاهب شیعه اصلاح گردید.

تفسیر منوچهر الصمدی از ملا فتح الله کاشانی (م ۹۸۸ ق) از قرن دهم بررسی و ۳۹ فیش استخراج شده است. ملا فتح الله کاشانی که از علمای برجسته دربار شاه بهماسب صفوی است این تفسیر را در واکنش به مواهب علیه که نسبت به اخبار اهل بیت بی‌توجهی کرده، به عنوان شریعی بر مواهب نوشته و اخبار اهل بیت را در آن گنجانده است.

از تفاسیر قرن یازدهم صافی از ملا محسن و فیض کاشانی (۱۰۹۱-۱۰۰۷ ق) و تفسیر لاهیجی اثر محمد بن علی لاهیجی (م ۱۰۸۸ ق) ملا نظه گردیده است. ملا محسن تفسیر خود را به شیوه روایی و مشرب عرفانی نوشته و نسبت به اصولی را مطرح می‌کند که تمامی قرآن در حق خاندان عصمت و نبوت و مذمت دشمنان آنان است. مفسر از عبارات تفسیر بیضاوی استفاده می‌کند و دیدگاه‌های امامیه را به طور گسترده شرح داده و استدلال می‌کند و هر جا که شبهه‌ای باشد دفاع می‌کند. یکصد و چهل مطلب از این تفسیر در خصوص مباحث مهدویت بهره برداری شده است.

تفسیر شریف لاهیجی، متأثر از فضای فرهنگی کشور بوده و از دو ویژگی آن دوران برخوردار است: نخست گرایش به حدیث و دیگری داشتن صبغه عرفانی. از این تفسیر ۱۵۷ مطلب استخراج گردیده است.

در قرن دوازده تفاسیر ذیل ملاحظه شد:

۱. البرهان فی تفسیر القرآن از سیدهاشم حسینی بحرانی (م ۱۱۰۷ ق)؛ مفسر از علمای بحرین است که تفسیر خود را براساس تفاسیر روایی قدمای اصحاب امامیه مانند فرات کوفی، عیاشی، علی بن ابراهیم و استرآبادی، تنظیم نموده است. «آصفی» در مقدمه خود بر این تفسیر، ضمن انتقاد به روش بحرانی متأسف شده که مؤلف روایاتی را نقل کرده است که ضعیف، ساختگی و مشتمل بر غلو است، هم چنان که در این کتاب به منابعی استناد شده است که متهم به غلو، مجهول و غیر قابل اعتمادند. از این تفسیر ۱۵۶ فیش استخراج گردیده که همانند تفاسیر دیگر جای تحقیق و ارزیابی دارد. چنانچه گذشت مفسر در کتاب دیگری تحت عنوان المحجة فیما نزل من القرآن فی القائم المحجة به بررسی ۲۰ آیه و آیات قرآن در شأن حضرت حجت علیه السلام پرداخته است.

۲. نورالثقلین اثر علی ابن جمعه عروس - ویرسی (م ۱۱۱۲ ق)، مفسر که از علمای ایران محسوب می شود، در این تفسیر - که به سبک و بیایق تفسیر البرهان نوشته شده - اخبار مربوط به آیات، بدون تأیید نقل شده است. مجموعه روایات این تفسیر یا جنبه توضیح معنای آیه را دارد یا در باب فضیلت اهل بیت و مناجات کردن مضامین آنها بر اهل بیت است یا شأن نزول را از اهل بیت گرفته است. در ۵۴ جا از این تفسیر به موضوعاتی در خصوص مهدویت اشاره شده است.

۳. کثر الدقائق و بحر الغرائب از میرزا محمد مشهدی قمی (م ۱۱۲۵ ق)؛ این تفسیر از نظر روایی بسیار متأثر از استاد خود فیض کاشانی و از نظر ادبی، از تفسیر بیضاوی تأثیر گرفته است. در ۲۰۰ جای این تفسیر، مباحث مربوط به مهدویت یافت می شود.

۴. فتح القدیر از محمد بن علی شوکانی (۱۱۷۳ - ۱۲۵۰ ق)؛ مفسر از یک سو می کوشد خود را وابسته به اهل بیت نشان دهد و از طرف دیگر سعی دارد با دیدگاه مشهور عامه سازگاری داشته باشد. در آیات مهدویت نیز سعی می کند به سبک تفاسیر

عامه، به طرح مباحث مهدویت پردازد. در ۱۳ فیش به دست آمده از این تفسیر حاکمیت نهایی اسلام به دست حضرت عیسی علیه السلام دانسته شده و تنها در یک مورد (بقره/۱۱۴) خزی دنیوی کافرین موکول به ظهور حضرت مهدی علیه السلام گردیده است.

۵. الجوهر الثمین و تفسیر شبر، دو تفسیر سید عبدالله شبر (۱۱۸۸ - ۱۲۴۲ ق) هستند. مفسر از معارف علمای امامیه در شهر کاظمین و نجف است که از جهت کثرت آثار و سخت کوشی به مجلسی دوم معروف شده است وی در الجوهر الثمین، میان روش عقلی و اجتهادی جمع نموده است. از دو تفسیر فوق ۹۲ مطلب استخراج شده است.

گرایش عمده تفسیر فوق - تحت تأثیر گرایش عمومی قرن ۱۲ و ۱۱ - توجه فوق العاده به حدیث و برابری روش تفسیری اجتهادی و عقل گرا محسوب می شود.

در بین تفاسیر قرن بیستم تفسیر بیان السعاده از سلطان محمد گنابادی (سلطان علی شاه) (۱۳۲۷ - ۱۳۵۱ ق) و العقل و القرآن از نورالدین حسینی اراکی (۱۲۷۸ - ۱۳۴۰ ق)، تفسیر آسان از محمد جواد نجفی (ت ۱۲۸۲ ق)، مقتضیات الادر از میر سید علی حائری تهرانی (۱۲۷۰ - ۱۳۴۰ ق) و نفحات الرحمن از محمد عبدالرحیم نهاوندی (۱۲۸۹ - ۱۳۷۰ ق) مورد ملاحظه قرار گرفته و در مجموع ۲۳۳ فیش استخراج گردیده است.

سلطان محمد گنابادی گرایش های صوفیانه دارد و تفسیر خود را با صبغه عرفانی و فلسفی نوشته است. در تفسیر وی همه آیاتی که مربوط به عقاید و کفر و ایمان است به مقام ولایت تفسیر شده و رب مطلق مقام الوهیت است و رب مضاف، منظور مقام ولایت است.

در تفسیر القرآن و العقل سورة حمد و چند سوره در میان تا سورة احزاب مورد بحث و تفسیر قرار گرفته است. ویژگی مهم این تفسیر روش اجتهادی و عقل گرایی آن است. مفسر نامی این اثر مجتهدی زمان شناس و متعهد بود که در جنگ جهانی

دوم به همراه میرزا محمد تقی شیرازی فتوای جهاد علیه استعمار جهانی را صادر کرد.

تفسیر آسان، تفسیری است ساده و روان، آمیخته با بحث های اعتقادی و قابل استفاده برای عموم مردم. این تفسیر گزیده ای از تفسیرهاست. گزیده ای که تنها بیانگر دشواری های واژگان و ترکیب ها باشد.

المقتضیات الدرر نیز از تفاسیر تربیتی و هدایتی است که میر سید علی حائری با توجه به نیاز های اجتماعی و فکری مخاطبان خود بیان کرده است. این تفسیر جزء تفاسیر مختصر به حساب می آید که تنها به تبیین آیات پرداخته است.

در تفسیر نفحات الزمان تفسیر عربی به صورت مفصل در بالای صفحه درج شده و در پایین صفحه تفسیر فارسی و مختصر آن آمده است. در این تفسیر همه آیات قرآن به گونه ای نسبتاً جامع و در موضوعات مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. روش تفسیر، اجتهادی و جامع بین عقل و نقل بوده و از تأمل در نکات دقیق کلامی برخوردار است. این تفسیر از تفاسیر امامیه مانند جوامع الجامع، صافی و حواشی شیخ بهایی بر انوار التنزیل بیضاوی استفاده می کند. همچنین از تفاسیر فخر رازی، ابوالسعود و بروسوی بسیار نقل می کند.

در نیمه اول قرن چهارده نیز تفاسیر ذیل بررسی شده است.

۱. اطیب البیان فی تفسیر القرآن اثر سید عبدالرحسین طیب (۱۳۰۲-۱۴۱۰ق)؛ تفسیری ساده و متقن و دقیق که برای توده مردم بازگو شده است. این تفسیر با شیوه مزجی و استدلالی و با رویکرد علمی - اجتماعی نوشته شده است.

۲. روان جاوید از محمد تقی تهرانی (۱۳۱۳-۱۴۰۶ق)؛ این تفسیر با شیوه نقلی و با رویکرد تربیتی - هدایتی نگاشته شده است. کتاب به زبانی ساده و متناسب با فهم توده نگارش شده و مفسر به مباحث کلاسیک تفسیر از قبیل مباحث ادبی، واژه شناسی، ریشه یابی لغت، فصاحت و بلاغت توجهی نکرده است.

۳. مخزن العرفان به قلم بانوی اصفهانی (۱۳۱۳ - ۱۴۰۳ق): بانو نصرت اصفهانی از نوادر دانشمندان زن مسلمان است که به درجه اجتهاد رسید. تفسیر وی از تفاسیر جامع قرآن محسوب می‌شود که به سبک بیانی و تحلیلی به تفسیر آیات پرداخته است. صبغة اصلی تفسیر، اخلاقی و عرفانی است.

۴. تفسیر اثنی عشری اثر حسین بن احمد شاه عبدالعظیمی (۱۳۱۸ - ۱۳۸۴ق): این تفسیر به زبان فارسی و به جنبه های تحلیلی و هدایتی قرآن اهتمام می‌ورزد. با توجه به محیط مذهبی مخاطبان و علاقه مندان اهل بیت نگارش شده و به مناسبت، بحث های اعتقادی و کلامی را مطرح کرده و عقاید شیعه را در آن موضوع با گستردگی آورده است.

۵. الجدید به قلم شیخ محمد حبیب الله سبزواری (۱۳۱۸ - ۱۴۰۹ق): این تفسیر بیشتر به جنبه تحلیلی و توضیح قرآن می‌پردازد و در جواب فهم آیات تلاش دارد که البته در مواردی، جهت توضیح بیشتر، از روایات اهل بیت علیهم السلام و در اندک مواردی از منابع اهل سنت استفاده می‌کند.

تقریباً اکثر تفاسیر معاصرین نیز در مجامع پیش رو بررسی گردیده و مطالب مورد نظر استخراج شده است. از جمله این تفاسیر می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: المیزان فی تفسیر القرآن اثر گران سنگ علامه طباطبائی، کتابت به قلم محمد جواد مغنیه، تفسیر نمونه به همت آیه الله مکارم شیرازی، تقریب القرآن الی الاذهان از سید محمد حسینی شیرازی، الفرقان فی تفسیر القرآن اثر محمد صادقی تهرانی، احسن الحدیث از سید علی اکبر قرشی، تفسیر جامع به قلم سید ابراهیم بروجردی، پرتوی از قرآن از سید محمود طالقانی، من وحی القرآن اثر علامه فضل الله، و تسنیم به همت آیه الله جوادی آملی و ده ها تفسیر دیگر^۱.

۱. جهت آشنایی بیشتر با عناوین تفاسیر معاصرین به کتاب نامه پایانی مراجعه شود.

ب - تفاسیر غیر امامیه

در قرن اول تفسیر مجاهد اثر مجاهد بن جبر مکی (۲۱ - ۱۰۳ ق) دیده و چهار فیش استخراج شده است. وی از شاگردان ابن عباس و متأثر از فرهنگ وی بود، به همین دلیل برخی وی را از موالیان حضرت علی علیه السلام دانسته‌اند. قاضی عبدالجبار در کتاب معنی گفته که در مواردی از تفسیر، مجاهد آیاتی را دال بر افضلیت حضرت علی علیه السلام معنا کرده است. وی در کوفه می‌زیسته و این شهر مرکز شیعیان و موالیان بوده، ولی نمی‌توان گفت همه جا افکار شیعی داشته است.

تفسیر القرآن و معانی نیز از تفاسیر قرن دوم دیده شده است. این تفسیر که به نام تفسیر صنعانی نیز شهرت دارد اثر عبدالرزاق بن همام صنعانی (۱۲۶ - ۲۱۱ ق) است. این تفسیر به سبک قرون دوم تا چهارم به نگارش در آمده است. به این معنا که گفته‌های صحابه و تابعین و احادیث نبوی صلی الله علیه و آله در آری شده و به شکل جوامع حدیثی، همراه با ذکر نام راویان و سلسله طریق روایات آورده شده است. این روش مبنایی گردیده است برای کتاب‌های تفسیری مأثور، همانند تفسیر طبری و الدر المنثور در اهل سنت و تفسیر فزات کوفی، تفسیر عیاشی، تفسیر علی بن ابی‌طالب و بعدها تفسیر برهان و نورالثقلین در شیعه. به همین دلیل این تفسیر، یکی از مصادر مهم تفاسیر اهل سنت شمرده می‌شود.

در شیعه بودن یا نبودن مفسر حرف‌های زیادی مطرح است و تفسیر وی نیز بیانگر جهت‌گیری خاصی در مورد عقاید نیست. قدر مسلم آن است که وی شاگرد سفیان ثوری (م ۱۶۱ ق) و متأثر از افکار وی بوده است و می‌دانیم سفیان یکی از محدثین بزرگ اهل سنت و دارای روایات بسیار تفسیری و علاقه‌مند به اهل بیت و شاگرد امام صادق علیه السلام است، لذا می‌توان وی را از علاقه‌مندان امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام و دشمن مخالفان حضرت دانست؛ به ویژه آن‌که در این زمینه احادیثی نیز

نقل کرده است. در هفت جای این تفسیر، مصنف به مطالبی در خصوص نزول حضرت عیسی علیه السلام و اشراف الساعة اشاره کرده است.

در قرن سوم، دو تفسیر دیده شده است:

۱. جامع البیان فی تفسیر القرآن از محمد بن جریر طبری (۲۴۴ - ۳۱۰ ق)، ابو جریر طبری از علمای بزرگ اهل سنت است که تفسیر وی از نخستین تفسیرهای آن دوره است که رسماً در کنار نقل حدیث و اثر، به نقد و ارزیابی نکات تفسیری و انتخاب برخی روایات می پردازد. شیوه او زمینه ای را فراهم کرد که پس از او تفاسیر بزرگی چون بیان شیخ طه سی، کشاف زمخشری و مفاتیح الغیب رازی با سبک اجتهادی بنیان نهاده شد. جهت دیگر این تفسیر، فقهی بودن آن است که به طور مناسبی وارد مباحث فقهی می شود. ده تفسیر این تفسیر برداشت گردیده اما در هیچ یک نامی از «حضرت مهدی علیه السلام» برده نشده و با بحث مربوط به نزول حضرت عیسی علیه السلام و غلبه اسلام در زمان ایشان به اجمال مطرح شده است.

۲. تفسیر کتاب الله العزیز به قلم شیخ هود بن محکم الهواری (م ۲۸۰ ق). این تفسیر یکی از قدیمی ترین تفاسیر به جای مانده از اباضیه است که تحت تأثیر شرایط خاص آن دوره اقدام به جمع آوری احادیث تفسیری و غیر تفسیری - بدون نقد و بررسی - نموده است، چنان که بعدها در مورد ضعف و احتیاجی بودن آنها حساسیت ایجاد شد. مفسر با همین روش ذیل برخی آیات به نقل احادیث مربوط به مهدویت پرداخته و اکثر فیش های استخراجی این تفسیر مربوط به اشراف الساعة، پیشینه رجعت و نزول حضرت عیسی علیه السلام می باشد.

در قرن چهارم، پنج تفسیر به شرح ذیل بررسی گردیده است:

۱. بحر العلوم (تفسیر القرآن الکریم) اثر ابواللیث نصر بن محمد سمرقندی بلخی (۳۱۰ - ۳۷۵ ق)، تفسیری نقلی است که اسرائیلیات و روایات ضعیف مانند نقل از کلبی و سدی صغیر دیده می شود. چهارده فیش از مطالعه این تفسیر به دست آمده که

مربوط به نزول حضرت عیسی علیه السلام و اشراف الساعة می باشد.

۲. حقائق التفسیر از محمد بن حسین نیشابوری (۳۳۰ - ۴۱۲ ق)، وی یکی از قدیمی ترین مفسران عارف مسلک ایرانی است. در این تفسیر تنها یک مورد در خصوص مباحث مهدویت بهره برداری شده است.

۳. النکت و العیون به قلم ابوالحسن ماوردی بصری (۳۶۴ - ۴۵۰ ق)، ماوردی از جمله عالمان شافعی مذهب است که علاوه بر تفسیر، آثار فقهی، سیاسی و اجتماعی دیگری نیز از وی بر جای مانده است. در این تفسیر مباحث لغوی، اهمیت و جایگاه ویژه ای دارد مفسر از کنار آیات مهدویت گذشته و تنها درباره اشراف الساعة، نزول حضرت عیسی علیه السلام و برخورد امام با دشمنان در زمان ظهور در چهارده جا اشاره نموده است.

۴. لطائف الاشارات اثر عبدالکرم بن هوازن قشیری نیشابوری (۳۷۶ - ۴۶۵ ق) از عالمان صوفی مسلک که در تفسیر خود به آیات عرفانی تفسیری توجه کرده است.

۵. الوسیط فی تفسیر القرآن المجید از ابوالحسن بن احمد واحدی نیشابوری (۳۹۸ - ۴۶۸ ق)، سه تفسیر از این مفسر بر جای مانده است: الوسیط، الوسیط و الوجیز. جهت گیری واحدی کاملاً بر مذهب اهل سنت و جماعت است. در کلام بر مذهب اشاعره و در فقه بر مذهب شافعیه مشی می کند و در تثبیت و تأیید آن عقاید به شدت تلاش کرده تا جایی که در موضع گیری ها و نقد روایات فضل اهل بیت علیهم السلام در مجامع اهل سنت می کوشد.

در قرن پنجم تفاسیر ذیل بررسی گردیده است:

۱. تاج التراجم به قلم محمد بن احمد اسفراینی (م ۴۷۱ ق)، این تفسیر یکی از مهم ترین تفاسیر کهن فارسی مانند تفسیر منسوب به طبری و دومین حلقه زنجیر خراسانیان به شمار می رود که به علت قدمت زمانی و شیوه ای که در ترجمه آیات در

نظر مفسر بوده بر تفسیرهای فارسی تأثیر گزارده است. آیات مهدویت در پرتو استفاده به روایات رسول مکرم ﷺ تفسیر شده و در خصوص نزول حضرت عیسی علیه السلام و اشراف الساعة هفت فیش استخراج گردیده و در یک مورد به انکار عقاید شیعیان پرداخته است.

۲. معالم التنزیل فی التفسیر و التأویل به قلم ابو محمد حسین بن مسعود بغوی (۴۳۸-۵۱۶ ق) این تفسیر گزیده تفسیر الکشف و البیان ثعالبی است با این تفاوت که بغوی بنا بر احتصار گذاشته است. این تفسیر نیز مبتلا به نقل اسرائیلیات شده و به راویانی غیرساز و منحرف اعتماد کرده است.

۳. الکشاف (عن عیاقب غوامض التنزیل و عیون الاقوایل فی وجوه التأویل) از محمود بن عمر زمخشری (۴۶۰-۵۳۸ ق)، زمخشری یکی از دانشمندان بزرگ معتزله و در زمینه فن بلاغت و ادبیات از اطلاعات گسترده‌ای برخوردار است و تفسیر وی از متقن ترین و معروف ترین تفاسیر است. از نظر اشتغال بر نکات ادبی و بلاغی، در میان تفاسیر ممتاز است. با قطع نظر از جنبه های کلامی و افراط و تدروی ها در تطبیق آیات با اندیشه و آرای معتزله، تفسیر کشاف از بهترین تفاسیر قرآن محسوب می شود. در دو مورد از این تفسیر به مباحث مهدویت با محوریت نزول حضرت عیسی علیه السلام اشاره شده است.

۴. المسحود الوجیز به قلم ابو محمد بن عبدالحق بن عطاءه المحاربی (۴۸۱-۵۴۲ ق)، به گفته خود مفسر، از تفسیر «مهدی مغربی» به نام التفصیل الجامع لعلوم التنزیل استفاده فراوان برده و از جهت سبک ادبی بسیار شبیه کشاف زمخشری است.

در قرن ششم تفاسیر ذیل دیده شده است:

۱. زادالمسیر، از ابوالفرج جمال الدین محمد جوزی (۵۰۸-۵۹۷ ق)، ابن جوزی فقیه حنبلی و حافظ قرآن و دارای تألیفات بسیاری در علوم قرآنی و غیر قرآنی است.

در پانزده جای این تفسیر به مطالبی در خصوص مهدویت با موضوعات پیشینه رجعت، اشراف الساعة و نزول حضرت عیسی علیه السلام پرداخته شده است.

۲. کشف الاسرار و عدة الابرار به قلم ابوالفضل رشیدالدین میبدی (م ۵۲۰ق)، وی در فروع مذهبی، پیرو شافعی و در مباحث اعتقادی، بر مذاق اصحاب حدیث و به تعبیری سلفی است. در سیر و سلوک بر مشرب عرفا سخن می گوید، با این همه علاقه و محبت وی به اهل بیت علیهم السلام چشم گیر و از خصیصه های تفسیر اوست. مباحث مهدویت در این تفسیر از جایگاه نسبتاً خوبی برخوردار بوده و در سی مورد از این تفسیر بهره برداری شده است که اهم موضوعات آن عبارتند از: نزول حضرت عیسی علیه السلام، اشراف الساعة، زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام، آینده بشریت و تحقق وعده الهی.

۳. مفاتیح الغیب از محمد بن عمر رازی (فخر رازی) (۵۴۴ - ۶۰۶ق) معروف به تفسیر فخر رازی و تفسیر کبیر. مفسر و عالم لامحدود طولایی داشته و در دانش تفسیر اثری سترگ به وجود آورد و با کاوش های عقلانی، روح دیگری در تفاسیر اشاعره دمید. کمتر مفسری است که پس از وی تفسیری نگاشته باشد و به این تفسیر مراجعه نکرده و از آن به گونه ای یاد ننموده باشد. مؤلف برای عقل، جایگاه بلندی در استنباط و استخراج پیام الهی قائل است. تنها در پنج مورد فخر رازی مطالبی در خصوص مهدویت اشاره کرده و روایات نبوی در این زمینه را به نزول حضرت عیسی علیه السلام تفسیر و در آیه ۳ سوره بقره به نقد اعتقاد شیعه در تطبیق «غیبت» به حضرت مهدی علیه السلام پرداخته است.

۴. رحمة من الرحمن فی تفسیر و اشارات القرآن اثر محی الدین بن عربی (۵۶۰-۶۳۸ق)، مفسر که بنیان گذار عرفان نظری محسوب می شود، بیشتر به تأویلات پرداخته تا شرح معانی کلمات و استنادسازی قواعد عرفانی از ظواهر لفظی کتاب. این تفسیر شامل همه آیات نمی شود، و تنها به آیه ها و سوره هایی پرداخته شده

که محل بحث و اشاره عرفانی بوده است. این اثر گردآوری شده از مجموعه مؤلفات ابن عربی به ویژه کتاب فتوحات و فصوص است.

کتاب دیگری منسوب به ابن عربی می‌باشد به نام تفسیر القرآن الکریم، ولی این کتاب در واقع تأویلات ملا عبدالرزاق کاشانی است. از میان نُه فیشی که از رحمة من الرحمن برداشت شده است، دو مورد به نزول حضرت عیسی علیه السلام، چهار مورد به اشراف الساعة و ما بقی به معمرین پرداخته است.

۵. جامع الاحکام القرآن از محمد بن احمد انصاری قرطبی (۵۷۸ - ۶۷۱) از تفاسیر گران سنگ عامه محسوب می‌شود که به لحاظ گستردگی مباحث فقهی در شمار آیات الاحکام وارد شده است. در این تفسیر مباحث مهدویت از دریچه روایات نبی مکرم صلی الله علیه و آله نگریسته شده و بیست و شش مطلب از این تفسیر در خصوص مهدویت فیسر به بار آمده است. قرطبی از کسانی است که آشکارا به قیام حضرت مهدی علیه السلام معتقد است و ایشان را از عترت رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌داند، وی در این باره وارد جزئیات نشده و شرح مباحث را به کتاب التذکره ارجاع داده است (توبه ۳۳، اسراء ۴ - ۶).

در قرن هفتم نیز پنج تفسیر از اهل سنت مورد بررسی قرار گرفت؛

۱. البحر المحیط به قلم محمد بن یوسف اندلسی (۶۵۴ - ۷۲۸ق): از تفاسیر متقن و مستدل اهل سنت محسوب می‌شود که به سبک ادبی و نقلی و بسته تحریر درآمده است. ۳۶ فیش از این تفسیر استخراج گردیده که بیشتر به مباحثی مانند اشراف الساعة، نزول حضرت عیسی علیه السلام و رجعت پرداخته است.

۲. تفسیر الکبیر از احمد بن عبدالحلیم ابن تیمیه حرانی (۶۶۱ - ۷۲۸ق)، مصنف دارای عقاید حنبلی سلفی بوده و با عقاید صوفیه، اشعری، معتزله و شیعه به شدت مبارزه کرده است. ابن تیمیه تفسیری به نام کبیر نوشته، بلکه تنها چند سوره پراکنده را تفسیر نموده، اما میان آثار کلامی و اعتقادی او مباحث تفسیری بسیاری مطرح شده

است. گذشته از این که او معتقد نبود که باید تفسیری از آغاز تا پایان بنویسد، بلکه به نظر او می‌بایست تنها در مورد آیاتی که محل اختلاف و گفت و گو است و از نظر اعتقادی، جای توضیح و تبیین آن خالی است، نوشته شود. در این تفسیر مطلبی در خصوص مهدویت ذکر نشده است.

۳. *لباب التأویل فی معانی التنزیل* (تفسیر خازن) اثر علی بن محمد ابراهیم بغدادی (۶۷۸-۷۴۱ق): مصنف دارای عقاید شافعی - اشعری است و در برخی موارد مبتلا به نقل اسرائیلیات شده است. در ۱۸ مورد برداشت شده از این تفسیر در خصوص موضوعاتی از قبیل نزول حضرت عیسی علیه السلام و اشراف الساعة، بحث شده است.

۴. *انوار التنزیل* با قلم ابن سعید بیضاوی شیرازی (م ۶۸۵ق)، مفسر در نقل مطالب از روایات و اقوال کمک گرفته و در ذکر راوی حدیث یا قائل سخن اهمال ورزیده است. مباحث بی هیچ تحلیل و استدلال نقل شده و سطحی نگری وی در مباحث مشهود است. آیات بارز مهدویت در این مفسر مطرح نشده و علی رغم این که مفسر به بحث های کلامی و اعتقادی آیات عنایت دارد، در موضوع مهدویت تسامح ورزیده است. در مجموع شش فیش درباره پیشینه رحمت، نزول حضرت عیسی علیه السلام و اشراف الساعة استخراج گردیده است.

۵. *التسهیل لعلوم التنزیل* از محمد بن احمد الکلبی (۶۷۴-۷۴۱ق): این تفسیر با انگیزه ارائه تفسیری موجز و نو به نگارش درآمده و جهت گیری عبادی این تفسیر ارائه عقاید سلفیه و طرح مباحث مشکل و نقد آرای مفسرانی است که به نظر وی دچار اشتباه شده‌اند. نامی از حضرت مهدی علیه السلام در این تفسیر برده نشده و موضوعات مهدویت را با محوریت حضرت عیسی علیه السلام بیان داشته است.

شش تفسیر نیز از قرن هشتم دیده شده است:

۱. *تفسیر القرآن العظیم* به قلم عمادالدین ابوالفداء بن کثیر (ابن کثیر) (۷۰۱-۷۷۴ق): این تفسیر در میان تفاسیر ماثور عامه، پس از تفسیر طبری، از موقعیت

ممتازی برخوردار است و به دلیل توجه به تفسیر آیه به آیه و دقت در اسناد و نقد روایات مجعول و اسرائیلیات، هم چنین سادگی عبارات و کوتاهی آن، جایگاه شایسته ای یافته است. ۲۱ فیش از این تفسیر استخراج شده که از مطالب آن چنین برداشت می شود که منکر وجود حضرت مهدی علیه السلام که دوازدهمین امام شیعیان هستند، می باشد. در عین حال معتقد است «مهدی» نامی خواهد آمد که از جمله خلفای رسول اکرم صلی الله علیه و آله بر امت اسلامی است.

۲. مدارک التنزیل و حقائق التأویل به قلم عبدالله بن احمد نسفی (م ۷۱۰ق): تفسیری مختصر که وجوه اعراب، قرائات، لغت و اسباب نزول در آن آمده است. از این تفسیر ۱۳ مطلب استخراج شده که بیشتر مربوط به پیشینه رجعت، اعتلای اسلام بر دیگر ادیان و نزول حضرت عیسی علیه السلام اشاره دارد.

۳. غرائب القرآن اثر نظام الدین حسین قمی نیشابوری (م ۷۲۸ق): این تفسیر از ابعاد مختلف به آیات نگریسته و نسبت به تمام معارف دینی از جامعیت برخوردار است. مفسر به شدت مدافع اهل بیت علیهم السلام است و در تفسیر، روایات مرتبط را در شأن نزول، به همان طریق شیعه نقل می کند. تفسیر مایه بحر رازی و کشف از منابع اصلی تفسیری وی می باشد. نوزده مطلب از این تفسیر در خصوص مباحث مهدویت بهره برداری گردیده و در برخی موارد تنها به نقل قول از شیخان دستاورد کرده است. مابقی موارد نیز به اشراط الساعة و نزول حضرت عیسی علیه السلام و رجعت پرداخته است.

۴. تبصیر الرحمن و تیسیر المنان از علی بن احمد بن ابراهیم مهامی (۷۷۶-۸۳۵ق)، مفسر از علمای متصوف هند است که تفسیر خود را نیز به شیوه عرفا و صوفیه نوشته است. در این تفسیر مطلبی راجع به مباحث مهدویت به دست نیامده است.

۵. جواهر الحسان به قلم ابوزید عبدالرحمن بن محمد ثعالبی (۷۸۶-۸۷۵ق): ثعالبی این تفسیر را بر مبنای المحرر الوجیز ابن عطیه به رشته تحریر درآورده، بدین صورت که آن را مختصر کرده و روایات تفسیری بیشتری از تفسیر طبری برگزیده

است. در این تفسیر نامی از حضرت مهدی علیه السلام برده نشده و تحقق غلبه اسلام را با نزول حضرت عیسی علیه السلام می‌داند.

در قرن نهم تفسیر جلالین بررسی شده است. این تفسیر به قلم جلال الدین محمد بن احمد محلی (۷۹۱-۸۶۴ق) و جلال الدین سیوطی (۸۴۹-۹۱۱ق) می‌باشد. این دو از عالمان بزرگ اهل سنت می‌باشند. جلال الدین محمد محلی از سوره کهف آغاز و تا پایان قرآن پیش برده است. آن گاه از آغاز قرآن شروع و پس از تکمیل سوره حمد، دارفان را واقع می‌کند. شاگرد وی، جلال الدین سیوطی به تکمیل این تفسیر همت می‌گمارد. بزرگم که جلالین در ایجاز و دقت در معانی است که موجب شده بسیاری از دانشمندان این تفسیر را شرح کنند. از مشهورترین شرح‌ها، حاشیه الصاوی و فتوحات الالهیه است. تنها بخش فیش از مجموع آیات به دست آمده که در خصوص اشراط الساعة و نزول حضرت عیسی علیه السلام می‌باشد.

در قرن دهم، سه تفسیر به شرح ذیل دیده شده است:

۱. الفواتح الالهیه به قلم نعمت الله نخجوانی (م ۹۲۰ق): تفسیری مختصر و عرفانی است که به بحث‌های ادبی، اعراب و قرائت تفسیری چندان توجهی نمی‌کند. چهار فیش از این تفسیر استخراج شده که درباره نزول حضرت عیسی علیه السلام و اشراط الساعة می‌باشد.

۲. السراج المنیر، اثر محمد خطیب شربینی (م ۹۷۷ق): مفسر به روایات با حساسیت و نگرش نقادانه چشم می‌دوزد. گرچه روایات ضعیف و اسرائیلی هم نقل می‌کند. اعتماد فراوانی به فخر رازی دارد و از وی در جای جای تفسیر نقل می‌کند. در بیست فیشی که از این تفسیر استخراج شده نامی از حضرت مهدی علیه السلام برده نشده و به اشراط الساعة و اندیشه نجات بخشی اشاره گردیده است.

۳. عنایة القاضی و کفایة الراضی اثر احمد بن محمد خفاجی (۹۷۷-۱۰۶۹ق): این تفسیر یکی از مفصل‌ترین شرح‌ها و حاشیه‌های تفسیر اتوار التنزیل است که به

ارزشمندی و گستردگی مباحث معروف شده است. ده فیش از این تفسیر استخراج شده که درباره نزول حضرت عیسی علیه السلام و مواردی از اشراط الساعة می باشد. چهار تفسیر مربوط به قرن دوازدهم از اهل سنت مورد بررسی قرار گرفته است از جمله:

۱. روح الیان به قلم اسماعیل حقی (م ۱۱۲۷ق): این تفسیر اجتهادی و جامع نقل و عقل است. مفسر به بیان احادیث نبی اکرم صلی الله علیه و آله و آثار صحابه و تابعین می پردازد. نویسند قول شیعه را در رجعت جسمانی امیرالمؤمنین علیه السلام و اصحاب حضرت انکار می کند. در هفده فیش مصرحاً یا به طور ضمنی از حضرت مهدی علیه السلام سخن به میان آورده است.

۲. تفسیر مطهری از فاضل محمد مظهری (۱۱۴۳ - ۱۲۲۵ ق): روش کلی مفسر، توضیح مباحث اعتقادی، تاریخی و اخلاقی می باشد. وی با نقل روایاتی ذیل آیات مهدویت از آنها استنباطاتی کرده است.

۳. حاشیه الصاوی علی تفسیر جلالین اثر احمد بن محمد صاوی (۱۱۷۵ - ۱۲۴۱ ق): این تفسیر حاشیه ای بر تفسیر جلالین است که از تفسیر بیضاوی و خازن نیز بهره برده است. در دوازده موردی که از این تفسیر استخراج شده است مطالبی در خصوص رجعت کنندگان، اشراط الساعة و نزول حضرت عیسی علیه السلام شده است.

در قرن سیزدهم نیز نه تفسیر دیده شده است از جمله:

الفتوحات الالهية از سلیمان بن عمر عجیلی (م ۱۲۰۴ ق)، روح المعانی از آلوسی بغدادی (۱۲۱۷ - ۱۲۷۰ ق)، تیسیر التفسیر به قلم محمد بن یوسف اطفیش (۱۲۳۶ - ۱۳۳۲ ق)، فتح الیان اثر ابوالطیب بخاری (۳۰۷ - ۱۲۴۸ ق)، الاکلیل علی مدارک التنزیل به قلم شیخ محمد عبدالحق (۱۲۵۲ - ۱۳۳۳ ق)، المنار اثر شیخ محمد عبده (۱۲۶۶ - ۱۳۲۳ ق) و رشید رضا (۱۲۸۲ - ۱۳۵۴ ق)، محاسن التأویل از محمد جمال الدین قاسمی (۱۲۸۳ - ۱۳۳۲ ق) و التحریر و التنویر به قلم محمد طاهر بن عاشور

(۱۲۹۶-۱۳۹۳ ق).

روح المعانی از تفاسیری است که عنایت خاصی به آن است و مفسر همت خود را مصروف نقادی عقاید و آرای شیعه قرار داده و به برخی اعتقادات شیعه، از جمله «رجعت» حمله کرده است.

تفسیر المنار را تفسیری تحول آفرین در عالم اسلام و تفسیر قلمداد کرده‌اند. عبده تنها توانست تا آیه ۱۳۶ سوره نساء را تفسیر و از آن جا به بعد تا آیه ۵۳ سوره یوسف، توسط رشید رضا ادامه یافته است. این تفسیر مالا مال از بحث‌های مهم اعتقادی و اجتماعی و تحول آفرین است و بازتاب‌های موافق و مخالفی را داشته است. از این تفسیر نه فیش استخراج گردیده است.

تفسیر جواهر نیز نخستین تفسیر کاملی است که همراه با شرح و بیان آیات، به ارائه شگفتی‌های طبیعت و دانستنی‌های علمی پرداخته است. وی اعتقادات شیعی را با برداشت خود ترسیم نموده و تفکرات آنان را در محورهای انتظار، حضرت مهدی علیه السلام و رجعت، عامل رکود و جمود برهنه شمرد و با تکیه به برخی مستندات تاریخی که ظهور مدعیان مهدویت و آثار و تبعات آن را در جهان مطرح نموده‌اند، عقاید مهدوی را مذمت کرده، احادیث مهدوی را به ضد نوشته و متن و اسناد آن را مورد خدشه قرار داده است.

التحریر و التثویر نیز تفسیر قرآن به قرآن است که از کنار آیات و روایات عبور کرده است. نکته‌ای که در این تفسیر دیده می‌شود انکار نزول حضرت عیسی علیه السلام و اعتقاد به موت آن حضرت می‌باشد، بر این مبنا سعی بر تأویل احادیث نزول حضرت عیسی علیه السلام دارد.

در مابقی تفاسیر فوق به سبک دیگر تفاسیر اهل سنت، مطالبی در خصوص اشراط الساعة و نزول حضرت عیسی علیه السلام نقل شده است.

در قرن چهاردهم، این تفاسیر از اهل سنت دیده شده است:

تفسیر القرآن الکریم از احمد مصطفی مراغی (۱۳۰۰ - ۱۳۷۱ ق)، اضواء البیان اثر محمد امین شستقیطی (۱۳۰۵-۱۳۹۳ ق)، تفسیر الحدیث از محمد عزه (۱۳۰۵ - ۱۴۰۴ ق)، کشف الاسرار الثوراتیه به قلم محمد بن احمد اسکندرانی (م ۵۲۰ ق) تیسیر الکریم الرحمن از عبدالرحمن بن ناصر سعدی (۱۳۰۷ - ۱۳۷۶ ق)، مواهب الرحمن اثر عبدالکریم محمد مدرس (ت ۱۳۲۳ ق)، فی ظلال القرآن از سید قطب (۱۳۲۶ - ۱۳۸۶ ق)، تفسیر القرآن الحکیم اثر محمد عبدالمنعم خفاجی (ت ۱۳۳۴ ق)، تفسیر القرآن للقرآن از عبدالکریم خطیب (ت ۱۳۳۹ ق)، التیسیر فی احادیث التفسیر اثر شیخ محمد بن ناصری، بیان المعانی از عبدالقادر آل غازی.

از هر یک از تفاسیر فوق مطالبی در خصوص رجعت، اشراف الساعة و نزول حضرت عیسی علیه السلام دانسته شده است اما به صورت صریح به مطالب مهدویت اشاره نشده است. حتی برخی آنرا از خرافات و اکاذیب بر شمرده‌اند (اضواء البیان، بقره، آیه ۳۰).

از معاصرین این تفاسیر دیدار می‌کند است: صفوة التفاسیر از محمد علی صابونی (ت ۱۳۴۷)، المنیر فی العقیده اثر وهبة الزحیلی (۱۳۵۱ ق)، الاساس فی التفسیر از سعید حوی (م ۱۴۱۱ ق)، ایسر التفاسیر به قلم ابوبکر خلیف الجزایری، تفسیر شعراوی از شیخ محمود متولی شعراوی، تفسیر الفرید از محمد عبدالمنعم جمال، تفسیر القرآن الکریم و اعزابه و بیاتیه اثر شیخ محمد علی طه الدرّة الحمصی، و بقیة الاثر به قلم محمد سید الطنطاوی. در میان تفاسیر فوق مطالبی در خصوص اشراف الساعة و نزول حضرت عیسی علیه السلام آمده است و ضمناً علی‌رغم بررسی برخی از این تفاسیر حتی یک مطلب در خصوص مهدویت و مباحث پیرامونی آن یافت نشد مانند ایسر التفاسیر. «محمد علی طه الدرّة» نیز ذیل آیه ۳۱ سوره یس بطلان بحث رجعت را مطرح کرده است.

در اینجا لازم است از زحمات و همکاری بی‌شائبه مسئولان پژوهشگده انتظار

نور آقایان: حجج اسلام والمسلمین رضا اسکندری و علی اکبر حصاری و محمد تقی ربانی، و گروه قرآن و مهدویت، آقایان حجج اسلام والمسلمین زنده یاد شهید داود دهداری، محمود اباذری و علیرضا عظیمی‌فر، که این مجموعه با همکاری صمیمانه آنان آماده شده است تشکر نمایم.

بدیهی است اهمیت و گستردگی بحث، نگاه‌های نقادانه زیادی را به سوی این نوشتار متوجه خواهد کرد که نظر آنان را به دیده منت پذیرا می‌باشیم.

سید محسن طباطبائی‌فر،

مرتضی عبدی چاری

و نفیسه فقیهی مقدس